

- پیام هیات مدیره
- آشنایی با روند برنامه ریزی مدیریت راهبردی در موسسه
- شاد زیستن بدون بهانه
- جشنی به مهربانی شب یلدا

فصل نامه
 داخلی موسسه خیریه
 بهنام دهش پور

بصیرت

سال اول، شماره اول، پاییز ۱۳۹۴



پرونده

جشنواره پاییزی

پرونده شماره اول را تقدیم می کنیم به همه افرادی که از دل و جان در راستای سلامت بیماران مبتلا به سرطان و بهبود زندگی آنها در موسسه خیریه بهنام دهش پور تلاش می کنند، انسان هایی که به راستی ستون های همیشه استوار و عامل تداوم مسیری هستند که از سال ها پیش آغاز شد و همچنان ادامه دارد...



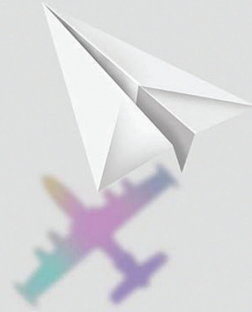
مُعْرِفِي لُوكُو



معنای لوگوی

موسسه خیریه بهنام دهش پور چیست؟

- لوگوی موسسه برگرفته از نام بهنام می باشد و
- طرح آن به شکل روند بهبود در بیماری است این
- لوگو در سمت راست فردی بیمار و خوابیده را
- نشان می دهد که در سمت چپ او فردی ایستاده
- و دست هایش را به نشانه دعا و نمادی از کمک
- بالا نگه داشته است؛ مجموع این طرح ها نشانه
- روند بهبود بیماری می باشد. همچنین در سمت
- چپ این طرح یک چشم که سمبل دیده شدن و
- مراقبت است نیز گنجانده شده است.



۱۶ مه روز جهانی کودک گرامی
دنیای ساده کودکی



۱۶ آذر روز دانشجوی گرامی باد
دانشجو نهاد آرزوی انویس و نگاه پندگویی از سر آمدن



قلک‌های بهنام
رویش امیددی دوباره



هرچه داناتر، ایمن‌تر



قلک‌های بهنام
رویش امیددی دوباره

رسالت سازمانی موسسه خیریه بهنام دهش پور

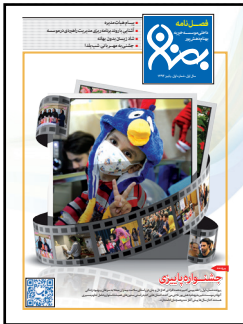
عرضه خدمات درمانی و پزشکی در سطح بین المللی به بیماران مبتلا به سرطان و خانواده آنان، بدون محدودیت سنی، جنسیتی، ملیتی و مذهبی و با هر نوع بیماری سرطان و در هر مرحله آن و تجهیز بیمارستان های دانشگاهی - دولتی.

تجارت
تجهیز بیمارستانهای
دانشگاهی - دولتی

- پذیرش انواع بیمه و تعرفه پایین در مراکز درمانی
- طرح درمان رایگان بیماران مبتلا به سرطان
- دسترسی آسان بیماران به این مراکز
- فعالیت کادر متخصص درمانی

فصل نامه داخلی موسسه خیریه بهنام دهش پور

سال اول، شماره اول، پاییز ۱۳۹۴



تلفن واحد روابط عمومی و ارتباطات: ۰۲۲۲۰۸۷۹۷ داخلی ۱۴۷ و ۱۴۵
نشانی دفتر مرکزی: تهران، خیابان شهید لواسانی غربی (فرمانیه)
خیابان شهید جباریان (فروردین)، کوچه مسجدی، کوچه مرمری، پلاک ۱۳

مدیر اجرایی: حسام‌الدین نراقی
سر دبیر: مهسا باپگان
دبیر پرونده: الهام هدایتی
همکاران این شماره: سروناز بختیاری، پریسا عینی راد، هدی زعیمی
طراحی و صفحه آرایی: مسلم عرب باصری
لینوگرافی و چاپ: دلتاسازه www.deltasazeh.ir

باتشکر از کلیه کارکنان و داوطلبان همکار در واحدها مختلف موسسه که ما را در انتشار این فصلنامه یاری نمودند.

پیام مدیرعامل

با درود به همه شما عزیزان درآشنا که در طول فعالیت بیست ساله موسسه خیریه بهنام دهش پور همواره حامی و همراه ما بوده‌اید...

پیام سردبیر

می‌دانم که همه شما ممکن است این داستان را قبلاً جایی خوانده باشید، اما امروز کمی با دقت بیشتری این داستان واقعی را مرور کنیم...

گزارش عملکرد

به مانند ایام پیشین در پاییز ۱۳۹۴ نیز موسسه میزبان بیماران و همراهان آنها بوده است. در این بخش گزارش عملکرد این فصل تقدیمتان می‌شود...

کتابخانه کودکان

تحمل زنج بیماری برای کودکان مبتلا به سرطان بستری در بخش و یا سرگردانی در فضای بیمارستان در مورد کودکانی که یکی از اعضای خانواده...

درخت آرزوها

نمی‌دانم کدامشان را می‌توان فرشته نامید، آن شکوفه‌های زیبایی که با هزار امید و آرزو به سراغ درخت آرزوها می‌آیند و...

آشنایی با برنامه مدیریت راهبردی موسسه

از عمده تعهدات همه سازمانهای تجاری و یا غیر تجاری، برنامه ریزی حرکت سازمان در جهت دستیابی به اهداف تجاری و...

آشنایی با واحد مددکاری

این واحد پل ارتباطی بیماران با موسسه است و مددکاران وظیفه تشخیص میزان و چگونگی کمک‌های نقدی و ...

جشنی به شکرانه تندرستی

او سرطان را شکست داد! اما شکست بیماری که اسمش می‌تواند پشت خیلی‌ها را بلرزاند به راحتی همین یک جمله هم نیست...

روبان‌های رنگی

آیا تا به حال چیزی درباره روبان‌های رنگی شنیده‌اید؟ روبان‌هایی که هر کدام با رنگ مخصوص به خودش با ما حرف می‌زند و ...

شاد زیستن بدون بهانه

فرض کنید در بحبوحه این روزهای زندگی شهری و مشکلاتش ناگافل به شما بگویند که مبتلا به بیماری به اسم سرطان شده‌اید و...

حامی معنوی مستند من ناصر حجازی هستم

همه همسایه‌های نزدیک خانه‌اش می‌دانستند او هر زمان که بیکار باشد به پارک نزدیک خانه‌شان می‌رود و با بزرگ و کوچک شروع می‌کند...

معرفی کتاب

می‌توان سرطان پستان را شایع‌ترین و از نظر عاطفی و روانی تاثیرگذارترین سرطان در بین زنان عنوان کرد...

من یک داوطلب هستم

جمعی از داوطلبان موسسه خیریه بهنام دهش پور با اهداف انسان دوستانه در تاریخ ۱۴ آذر اقدام به توزیع بروشورهای اطلاع رسانی ...

زندگی بدون خرچنگ

سرطان، بیماری که این روزها نامش زیاد شنیده می‌شود و هر کسی از برخورد با آن روایتی دارد...

معرفی نگارخانه بهنام دهش پور

چشم‌ها را باید شست، جور دیگر باید دید! نه تنها به اطراف زندگیمان بلکه به نگارخانه موسسه خیریه بهنام دهش پور نباید به چشم یک گالری ...

فایشگاه یاران همیشگی بهنام

نگارخانه موسسه خیریه بهنام دهش پور با هدف معرفی و آرایه آثار خلاق فرهنگی، تجسمی در آذر ماه امسال اقدام به برپایی نمایشگاه...

جشنی به مهر بانی شب یلدا

امسال شب یلدا خیلی از ما به رسم دیرینه هر سال، دور هم جمع شدیم و از قدیم‌ها سخن گفتیم، آجیل و میوه خوردیم و به حافظ خوانی و...

حامیان حقوقی سال ۹۴

واحد حامیان موسسه با شماره تماس (۰۲۲۲۰۸۷۹۷ داخلی ۱۴۴) در طول ساعات اداری پاسخگوی شما است.

pr@behnamcharity.org.ir



پرونده

جشنواره پاییزی

پرونده این شماره را تقدیم می‌کنیم به همه افرادی که از دل و جان در راستای سلامت بیماران مبتلا به سرطان و بهبود زندگی آنها در موسسه خیریه بهنام دهش پور تلاش می‌کنند، انسان‌هایی که به راستی ستون‌های همیشه استوار و عامل تداوم مسیری هستند که از سال‌ها پیش آغاز شد و همچنان ادامه دارد. مسیری که هر سال حامیان و خیرین تازه‌ای را با خود همراه می‌کند.

پیام جمعی از اعضای هیأت امنا و هیأت مدیره

بهره‌گیری از ظرفیت خرد جمعی و جلب مشارکت‌های مردمی یکی از اصول حاکم بر نحوه مدیریت موسسه خیریه بهنام دهش پور است. با همین رویکرد بنیانگذاران از همان ابتدا به جلب همکاری متخصصان و معتمدان عرصه صنعت، اقتصاد و پزشکی پرداخته است تا بتواند همواره با اندیشه‌های سازنده این افراد به سوی سازمانی متعالی قدم بردارد. اعضا هیات امنا این موسسه خیریه همگی داوطلبانه این مسئولیت و سمت را در کنار فعالیت حرفه‌ای خود تقبل کرده‌اند. این مشارکت نمادی از مسئولیت‌پذیری اجتماعی فعالان عرصه‌های نامبرده است. مشتاقیم که بر اساس اصل شفافیت همگان را با اعضا هیئت امنا و مدیره که تصمیم‌گیرندگان نهایی برنامه‌های موسسه خیریه بهنام دهش پور هستند آشنا نماییم و همچنین پیام آنها را به گوش شنوای شما عزیزان برسانیم:



شهلا لاجوردی (مادر بهنام دهش پور)
به بخش خصوصی: شما نیز باری رسان بیمارانی باشید که در پرداخت هزینه‌های درمان با مشکل مواجه شده‌اند.



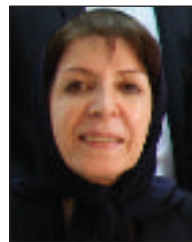
نازنین دهش پور
به سایر خیریه‌ها و NGOها: ما همه مثل اعضا یک خانواده هستیم و باید دست در دست و با هم قدم برداریم.



لیلی بهمن (رضایی)
به داوطلبان: به هدف خود اعتقاد داشته باشید و با عشق خدمت کنید.



نوبه مقدمه (جورابچی)
به کارکنان: مطمئن باشید مورد لطف خداوند هستید که توفیق کار کردن در جایی را دارید که هدفش کمک به دیگران است.



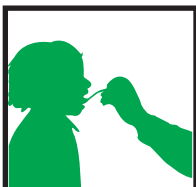
منیره پورصادقی (جواهریان)
به بیماران: با تمام وجود هر کمکی از دستمان برآید برایتان انجام می‌دهیم.



مهرنوش مقبیل (خوشخون‌نژاد)
به خیرین و نیکوکاران: از خداوند شاکر باشید زیرا که در کار بسیار پسندیده‌ای قدم گذاشته‌اید.



نسربین احتشام دفتیری (مشیر)
به پزشکان و پرستاران: از شما ممنونیم زیرا انسان‌های والاسرنوشتشان این است که در خدمت بیماران باشند.



ارائه خدمات در بخش آنکولوژی و رادیوتراپی بیمارستان شهدای تجریش

- شیمی درمانی سرپایی به ۱.۳۳۲ نفر/امراج
- شیمی درمانی بستری به ۲.۰۳۰ نفر/بستری
- رادیوتراپی سرپایی به ۹.۲۷۸ نفر/بستری

پیام سردبیر

می دانم که همه شما ممکن است این داستان را
قبلا جایی خوانده باشید، اما امروز کمی با دقت
بیشتری این داستان واقعی را مرور کنیم:

سارا هشت ساله بود که از صحبت پدر و مادرش فهمید برادر کوچکش سخت مریض است و پولی هم برای مداوای آن ندارند. پدر به تازگی کارش را از دست داده بود و نمی توانست هزینه جراحی پرخرج برادرش را بپردازد. سارا شنید که پدر آهسته به مادر گفت فقط معجزه می تواند پسرمان را نجات دهد، او با ناراحتی به اتاقش رفت و از زیر تخت، فلک کوچکش را در آورد. فلک را شکست. سکه ها را، روی تخت ریخت و آن ها را شمرد. فقط پنج دلار!!

بعد آهسته از در عقبی، خارج شد و چند کوچه بالاتر به داروخانه رفت. جلوی پیشخوان انتظار کشید تا داروساز به او توجه کند، ولی داروساز سرش به مشتریان گرم بود. بالاخره سارا حوصله اش سر رفت و سکه ها را محکم رو شیشه پیشخوان ریخت. دارو ساز جا خورد و گفت: چه می خواهی؟

دخترک جواب داد: برادرم خیلی مریض است، می خواهم «معجزه» بخرم. قیمتش چقدر است؟

داروساز با تعجب پرسید: چی بخری عزیزم!! دخترک توضیح داد، برادر کوچکم چیزی در سرش رفته و بابا می گوید فقط معجزه می تواند او را نجات دهد، من هم می خواهم معجزه بخرم، قیمتش چقدر است؟ دارو ساز گفت: متأسفم دختر جان ولی ما اینجا معجزه نمی فروشیم.

چشمان دخترک پر از اشک شد و گفت: شما را به خدا، برادرم خیلی مریض است و بابایم پول ندارد و این تمام پول من است. من از کجا می توانم معجزه بخرم؟؟؟؟

مردی که گوشه ای ایستاده بود و لباس تمیز و مرتبی داشت از دخترک پرسید: چقدر پول داری؟

دخترک پول ها را کف دستش ریخت و به مرد نشان داد. مرد لبخندی زد و گفت: آه چه جالب!! فکر می کنم این پول برای خرید معجزه کافی باشد. بعد به آرامی دست او را گرفت: من می خواهم برادر و والدینت را ببینم. فکر می کنم معجزه برادرت پیش من

باشد... آن مرد دکتر آرمسترانگ، فوق تخصص مغز و اعصاب در شیکاگو بود. فردای آن روز عمل جراحی روی مغز پسرک با موفقیت انجام شد و او از مرگ نجات یافت. پس از جراحی پدر نزد دکتر رفت و گفت: از شما متشکرم. نجات پسر من یک معجزه واقعی بود، می خواهم بدانم بابت هزینه عمل جراحی چقدر باید پرداخت کنم؟ دکتر لبخندی زد و گفت: هزینه عمل ۵ دلار می شد که قبلاً پرداخت شده!

حالا بیایید به این فکر کنیم اگر به شما می گفتند شما هم می توانید معجزه بخرد چه کار می کردید؟! من در این موسسه انسان هایی را می شناسم که هر چند کم، معجزه می خرند؛ نه فقط با پول خود بلکه با حرف هایشان و با خدماتی که به صورت داوطلبانه و رایگان در اختیار دیگران قرار می دهند. فصلنامه ای که پیش روی شما است، قرار است از این پس به شما این افراد معجزه گر و آنهایی که معجزه می خرند را معرفی کند و شما را هم دعوت کند تا هم پای این جمع قدم بردارید. یکی از همین آدم هایی که می گویم «بهنام دهش پور» است. بهنام پسری مهربان، ورزشکار و عاشق دوستانش بود که پس از درگذشت او بسیاری از کارهای خیرش عیان شد. روزی در اثر ضربه ای به کبدش احساس ناراحتی کرد. با مراجعه به پزشک، مشخص شد که غده ای در کبد بهنام وجود دارد و پس از انجام آزمایشاتی پزشکان به این نتیجه رسیدند که بهنام مبتلا به سرطان کبد است و باید تحت عمل جراحی قرار گیرد. در ابتدا بهنام بسیار ناراحت شد، اما پس از دقایقی گفت: شاید این خواست خدای بهنام دهش پور باشد، من باید با این بیماری مبارزه کنم.

بهنام شروع به شیمی درمانی کرد. هشت ماه، هفته ای سه روز شیمی درمانی کامل در بیمارستان و دو روز شیمی درمانی کوتاه مدت. پس از هشت ماه و نیم تصمیم بر آن شد که عمل کبد انجام شود. بعد از دوازده ساعت عمل، بهنام را به اتاق مراقبت های ویژه بردند و در آنجا بود که بهنام روی کاغذی بعد از تشکر از پدرش نوشت: دیدی از پا درش آوردم. به علت رشد مجدد غده ای در کبد، باز هم عملی به مدت هشت ساعت روی بهنام انجام شد. در همان هنگام متوجه شدند که ریه های بهنام هم مبتلا به سرطان است و روی ریه ها هم عملی انجام گرفت. پس از سه سال درمان در انگلیس، بهنام به آمریکا رفت و آنجا هم مورد عمل جراحی قرار گرفت. در طول مدت درمان، بهنام به مادر و پدرش می گفت: «من فکر می کنم درد نداشته باشم، کمتر از درد سرطان نیست». او پیشنهاد داد که می خواهد برای مردمی که سرطان دارند، اما پول ندارند، کاری انجام دهد. بهنام به بازدید خیریه ای در سفارت کانادا رفت و در آنجا با تعدادی از بانوان نیکوکار آشنا شد و از آنان خواست که او را در این راه یاری دهند.

به پیشنهاد پزشک معالج بهنام، وی به بازدید بیمارستان شهدای تجریش رفت در آنجا بیمارانی را دید که در ساختمان نیمه تمامی برای استفاده از دستگاه کبالت صف کشیده اند. بهنام تصمیم گرفت که فعالیتش را در آن ساختمان شروع کند.

به همت بهنام و کمک دوستان، بازاری به مدت سه روز برگزار شد و مورد استقبال زیاد مردم قرار گرفت. کنسرت پیانویی نیز با کمک دوستان بهنام در فرهنگسرای ارسباران برگزار شد. همچنین او به همراه چند تن از دوستانش تصمیم گرفتند که بازار شععی به مناسبت عید در منزلش و در اتاقش به مدت سه روز برگزار کنند. یکی از دوستان بهنام از او سؤال کرد: «یا فروش یک عدد شمع ارزش آن را دارد که تو بایستی و استراحت نکنی؟» و بهنام جواب داد: «پول یک عدد شمع، برابر یک لیوان آب است، اگر هر کس یک لیوان آب کمک کند، دریایی خواهد شد تا به مریض ها کمک کنیم» بعد از رفتن دوستانش، او خیلی منقلب بود تا صبح پدر و مادرش با بهنام درباره دوستانش صحبت کردند. هنگام اذان صبح، متوجه شدند که بهنام به سختی صحبت می کند. پدرش با آمبولانس و پزشک تماس گرفت. بهنام با لبخند خانه را ترک کرد و متأسفانه در راه بیمارستان زندگی را بدرود گفت. بهنام همیشه از دوستانش می خواست تا راه او را ادامه دهند.

عوااید حاصل از این برنامه ها در سال ۱۳۷۵ زمانی که بهنام دیگر در میان ما نبود به همراه سایر کمک های نیکوکاران صرف تکمیل و تجهیز سالن انتظار بخش رادیوتراپی و اتاق بازی کودکان شد. از آن زمان تا کنون موسسه خیریه «بهنام دهش پور» با همکاری داوطلبان و حامیان و استفاده از آخرین امکانات و دستاوردهای پیشرفته پزشکی، بهداشتی و فرهنگی برای حمایت از بیماران مبتلا به سرطان و خانواده های آنان برای گسترش فعالیت های خود کوشیده است تا به هر طریق ممکن در عرضه خدمات درمانی نقش بسزایی ایفا کند.

حرکت بهنام دهش پور به خانواده و دوستانش معجزه بخشیدن را آموخت و ما نیز تصمیم داریم این راه را ادامه دهیم و شما را هم با معجزه های کوچک و بزرگی که در این مجموعه اتفاق می افتد آشنا کنیم اما یادمان باشد دست های همه انسانها مثل دست های کوچک همان کودک درون قصه و یا بهنام دهش پور می تواند معجزه ببخشد!



خدایا

تو بر کار خیرم بدار

- با درود به همه شما عزیزان درد آشنا که در طول فعالیت بیست ساله موسسه خیریه بهنام دهش پور همواره حامی و همراه ما بوده‌اید. هر آنچه که در یاری‌رسانی به بیماران مبتلا به سرطان و خانواده آنان و تجهیز مراکز درمانی صورت گرفته است مدیون اعتماد و پشتیبانی و مشارکت همه جانبه شما عزیزان بوده است.

یکی از ویژگی‌های مشارکت‌های اجتماعی مردم در ایران بر اساس باورهای دینی و سنت کمک به دیگران و انفاق بوده که با تغییر وضعیت کنونی جامعه این فعالیت‌ها از جریان غیررسمی، خودجوش، هیات‌ها به سازمان‌های مردم‌نهاد با ساختارهای تخصصی به منظور جلوگیری از اتلاف نیرو و انرژی و با بیانیه مأموریت و چشم‌انداز و هدف مشخص در حال تغییر است.

مشارکت اجتماعی افراد جامعه باعث کم‌رنگ شدن بی‌تفاوتی‌ها و خودمحوری و بسیج نیروهای مردمی و توانمند ساختن تک‌تک افراد در تقویت ساختارهای صحیح اجتماعی بوده و همچنان نیروی باز دارنده موثری در جلوگیری از پیشرفت ناهنجاری‌های جامعه خواهد بود. مشارکت اجتماعی از طریق موسسات مردم‌نهاد فرآیندی است که افراد داوطلبانه و با اراده و علاقه خود مسیر خویش را در تاثیرگذاری بهینه در جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند انتخاب می‌نمایند.

از وظایف اصلی موسسات عام‌المنفعه خلاقیت و ابتکار روش‌های جذب مشارکت افراد جامعه است که بتوانند از راه‌های خلاقانه بهترین‌های درون انسان‌ها را متبلور و رضایت‌مندی آنها را از کار خوب به صورت نهادینه درآورده و با پاسخگویی شفاف و رعایت اصل صداقت در حفظ آن‌ها بکوشند. تغییر نگاه و نگرش جامعه و ذهن مردم به کار در موسسات عام‌المنفعه و خیریه چه به صورت موظف و یا داوطلب و صرف زمان مفید افراد در این سازمانها از ارزشهای یک جامعه سالم است و این نگاه که هرکس جذب بازار کار تجارت نمی‌شود، به دنبال کار در خیریه است و یا برای وقت‌گذرانی به صورت داوطلب جذب اینگونه موسسات می‌شود از باورهای غلط است. اصلاح این دیدگاه در جامعه به عهده مسئولین، مدیران و بنیان موسسات خیریه است که همیشه بهترین‌ها را از گروه‌های داوطلب و موظف انتخاب نمایند و با ترویج این تفکر همانند کشورهای پیشرفته که نهایت آرزوی افراد کار در موسسات عام‌المنفعه در کنار امرار معاش زندگیشان که امری اجتناب‌ناپذیر است، بتوانند در جامعه و اجتماع خود تاثیرگذار و مفید باشند و ترویج کار داوطلبی به معنای شناخت و تمرین زندگی اجتماعی از طریق مشارکت در فعالیت‌های داوطلبانه است. سازمان‌های عام‌المنفعه و مردم‌نهاد در هر مقیاس و اندازه و هرمیزان توانایی مالی و منابع انسانی، به اتکاء صداقت و تخصص، باید خود را باور داشته باشند و به توان و نیرویشان در اثرگذاری در سیاست‌های کلان دولت‌ها در جهت منافع مردم اعتماد کنند.

موسسه خیریه بهنام دهش پور بر این باور است و وظیفه خود می‌داند که الگوی موفق همکاری و مشارکت اجتماعی افراد را با تمام توان خود در اختیار سازمان‌های مشابه و همکار در شهرستان‌ها قرار دهد. همچنین در راستای طرح تحول نظام سلامت مدنظر دارد تا در تجهیز هر چه بیشتر بیمارستان‌هایی که درمان رایگان بیماری سرطان را انجام می‌دهند کوشا باشد و در کنار آن فعالیت برای درمان‌های پیشرفته که مشمول تعرفه بیمه نبوده و پیشگیری و تشخیص زودرس بیماری سرطان و کمک به پروژه‌های تحقیقاتی یاری‌رسان به جامعه و بیماران مبتلا به سرطان و خانواده آنان پیگیری باشد.

برای رسیدن و تحقق این اهداف مثل همیشه نیاز به حمایت و پشتیبانی معنوی و مالی شما عزیزان داریم و آنچه که تاکنون میسر شده است فقط به همت والای شما نیکان و مردم خوب سرزمین ما بوده که همیشه همراه ما بودید.

دعای خیر بیماران بدرقه راهتان
با آرزوی سلامت و موفقیت
لیلی رضایی (بهمن)

برنامه‌ی آینده

خدمات کتابخانه کودکان در بخش هماتولوژی اطفال بیمارستان شهدای نوروز، تجریش، بیمارستانهای بهرامی، امام حسین (ع) و مرکز طبی کودکان به طور هماهنگ و با همکاری خیرین و داوطلبان این واحد به تمام کودکان و نوجوانان مراجعه کننده ارائه می‌شود؛ همچنین یکی از برنامه‌های پیش رو، برگزاری جشن عید نوروز برای کودکان و نوجوانان تحت حمایت موسسه است به همین مناسبت پذیرای هدایای نوروزی شما نیکوکاران و خیرین گرامی هستیم.

شب یلدا

یکی از جشن‌های دوست داشتنی این موسسه که هر سال به مناسبت طولانی‌ترین شب سال برگزار می‌شود، جشن شب یلدا است. برای این که کودکان تحت حمایت موسسه خیریه بهنام دهش پور غم نبودن در میان جمع خانواده را از یاد ببرند، جشن شب یلدا بخصوص برای کودکان بستری در بخش هماتولوژی اطفال بیمارستان شهدای تجریش و یا آنهایی که در حال درمان هستند با کمک عموها و خاله‌های مهربان داوطلب برگزار می‌شود. تا کودکان با نیرویی تازه به سمت سلامتی قدم بردارند.

جشن

کتابخانه کودکان



تحمل رنج بیماری برای کودکان مبتلا به سرطان بستری در بخش و یا سرگردانی در فضای بیمارستان در مورد کودکانی که یکی از اعضای خانواده آنها و یا خودشان

اشاره

مبتلا به این بیماری بودند و باید ساعات طولانی را در سالن انتظار مجموعه برای درمان سپری می‌کردند، یکی از بزرگ‌ترین مشکلات مراجعه کنندگان به بیمارستان شهدای تجریش بود و رفع این مشکل از ابتدای تاسیس موسسه، دغدغه اصلی مسئولین خیریه بوده است؛ بنابراین موسسه از سال ۱۳۷۵ اقدام به راه اندازی و تجهیز کتابخانه کودکان به عنوان اولین واحد خدماتی - حمایتی موسسه کرد. اینجا کتابخانه‌ای متفاوت است که نه تنها کودکان در آن کتاب می‌خوانند بلکه با خاله‌ها و عموهای مهربان کتابخانه، بازی می‌کنند، یاد می‌گیرند، حرف می‌زنند، درد و دل می‌کنند و از نیازهایشان می‌گویند.



خدمات حمایتی

کتابخانه کودکان تا به امروز با هدف ایجاد محیط و شرایط بهتر رفاهی و گذران زمان انتظار برای کودکان مبتلا به سرطان و یا همراه بیماران با هدف ارتقای روحیه و ترویج امید در میان آنها، تشکیل و تاکنون در حال ارائه خدمت است. مهمترین خدمات حمایتی این واحد، بازدید روزانه از بخش هماتولوژی اطفال، توزیع تغذیه، کتاب خوانی، انجام بازی و ایجاد فضایی شاد، برگزاری جشن‌های تولد، جشن پایان درمان و تندرستی و جشن‌های موضوعی، اجرای نمایش‌های شاد و موزیکال، توزیع بسته‌های هدیه نوروزی و لوازم التحریر، اهدای البسه و پوشاک گرم به کودکان و نوجوانان مراجعه کننده و یا تحت پوشش موسسه خیریه بهنام دهش پور است.

خدمات

اهدای لباس گرم

با فرا رسیدن پاییز که هوا هر لحظه سردتر می‌شود و بارش برف و باران و تصور برف بازی و ساختن آدم برفی برای خیلی از ما آدم‌ها لذت بخش است؛ این کتابخانه متفاوت به همت خیرین از ابتدای آبان ماه خرید و توزیع انواع پوشاک گرم برای ۱۲۰ کودک و نوجوان را شروع کرده است تا لذت برف بازی و فصل سرما را به کودکان تحت پوشش خود نیز هدیه کند.

خیرین

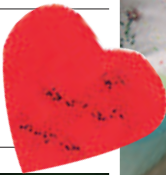
این اقدام هر ساله از طریق اهدای مستقیم لباس توسط خیرین و یا خرید لباس از فروشگاه‌های همکار با توجه به نیازهای شناسایی شده صورت می‌گیرد. امسال تاکنون هزینه‌ای به ارزش ۱۰۰ میلیون ریال جهت خرید ۱۲۰ دست پوشاک زمستانی شامل: کاپشن، پالتو، پلیور و سایر البسه مورد نیاز صورت گرفته است. این اقدام با مراجعه کودکان در کتابخانه کودکان خیریه بهنام دهش پور به آن‌ها اهدا می‌شود.



زنده نگه داشتن امید



قلبها موسسه خیریه بهنام دهش پور با هدف زنده نگه داشتن امید در دل کودکان تحت پوشش موسسه، آرزوهای واقعی کودکان مراجعه کننده به کتابخانه کودکان را با راهنمایی و مشاوره اعضای کتابخانه به این درخت آویزان می‌شود. کودکان، چشم انتظار برآورده شدن آرزوهایشان توسط فرشته‌های زمینی هستند. تمام خیرین و نیکوکاران گرامی می‌توانند با برآوردن این آرزوها، امید را در قلب‌های کوچک بچه‌ها زنده نگه دارند؛ وقتی کودکان به آرزوهای خود می‌رسند می‌دانند که آرزوی سلامتی هم برایشان دور از دسترس نخواهد بود و با روحیه بهتری به مقابله با بیماری سرطان می‌پردازند.



به غذای کمکی کودکان زیر دو سال نباید نمک اضافه کنید تا هم به غذای کم نمک عادت کنند و هم از خطر سرطان به دور باشند.



اشاره نمی‌دانم کدامشان را می‌توان فرشته نامید، آن شکوفه‌های زیبایی که با هزار امید و آرزو به سراغ درخت آرزوها می‌آیند و خواسته‌های دلشان را با دست‌های کوچکشان روی قلب‌هایی به درخت آرزوها می‌آویزند و به انتظار می‌نشینند و یا آن حامیانی را که می‌آیند و با قلب‌های بزرگشان این آرزوها را از روی درخت برمی‌دارند و برآورده می‌کنند؛ از نظر من همه آن‌ها فرشته‌اند، چون دل‌های بزرگی دارند و در یک نقطه‌ای که کتابخانه کودکان نامش را درخت آرزوها نامیده دل‌هایشان به هم می‌پیوندند.

درخت آرزوها



توضیحات: باشد خدا باری پروازت می‌دهد.



درخت آرزوها در شهر



درشهر درخت آرزوها علاوه بر کتابخانه کودکان بیمارستان شهدای تجریش در بیمارستان‌های مرکز طبی کودکان، امام حسین (ع) و بهرامی نیز مستقر شده است و در آخرین جمعه هر ماه نیز در شهر کتاب فرشته، میزبان خیرین گرامی خواهد بود. از ابتدای سال ۹۴ تا کنون بیش از ۹۰ آرزو توسط فرشته‌های زمینی برآورده شده است؛ شما هم می‌توانید از طریق وب سایت موسسه و یا مراجعه به یکی از محل‌های استقرار درخت آرزوها نسبت به برآورده کردن آن‌ها اقدام کنید.

مدیریت راهبردی به هر سازمان مسیر حرکت به سمت موفقیت را نشان می دهد و
و ا بسطه به مشارکت همگانی است.

آشنایی با روند برنامه ریزی مدیریت راهبردی در موسسه



اشاره

از عمده تعهدات همه سازمانهای تجاری و غیر تجاری، برنامه ریزی حرکت سازمان در جهت دستیابی به اهداف سازمانی خود است که در نهایت این برنامه ریزی ها باید به بیشینه کردن منافع سازمان کمک کند اگر بخواهیم به زبان ساده تری بگوییم در صورتی که شما یک شرکت تجاری باشید باید برنامه ریزی های پتان در جهت صرف هزینه کمتر و در عین حال در آمد زایی بیشتر باشد که در انتها منجر به بالا رفتن سهم سهام داران و در آمد آنها خواهد بود و اگر شما مجموعه ای غیر تجاری مانند خیریه بهنام دهش پور باشید باید به سمتی حرکت کنید که منافع معنوی حامیان و رضایت بهره مندان از خدمات خود را به درستی حفظ کنید یعنی مجموعه باید به سمتی حرکت کند که اهداف سازمان و رسالت های آن در زمان معینی تحقق پیدا کند.

درکی است که مدیران از شرکت های رقیب، بازارها، قیمت ها، عرضه کنندگان مواد اولیه، توزیع کنندگان، دولت ها، بستانکاران، سهامداران و مشتریانی که در سراسر دنیا پراکنده اند دارند و این عوامل، تعیین کنندگان موفقیت تجاری در دنیای امروز است. پس یکی از مهم ترین ابزارهایی که سازمان ها برای حصول موفقیت در آینده می توانند از آن بهره گیرند مدیریت استراتژیک خواهد بود.

ابتدای راه

مهرداد نراقی در اولین روزهای آشنایی خود از طرف همکلاسی خود، سوسن اکرامی که عضوی از هیات امنای موسسه بود، به عنوان مشاور در جلسات موسسه حضور پیدا می کند و بعد از اینکه تحت تاثیر رسالت سازمانی و اهداف موسسه که هنوز به عنوان یک ارگان نوپا شناخته می شد قرار می گیرد، با کمک دیگر اعضا برای یکی از اولین پروژه های موسسه که همان تامین هزینه ها و

مهرداد نراقی فوق لیسانس مدیریت از سازمان مدیریت صنعتی، دکترای مهندسی نفت و دکترای مدیریت مالی و متخصص مدیریت مالی پروژه های و سازمانی است عمده فعالیت او در زمینه شبیه سازی مخازن نفت بوده است.

او به مدت ۷ سال در حوزه نفت جنوب و طراحی مخازن مهم نفت ایران مانند مخزن نفت اهواز و بی بی حکیمه فعالیت داشته است؛ در بسیاری از دانشگاه های عالی کشور نیز تدریس می کند اما از همه این مدرک ها و سمت ها که بگذریم او امروز به عنوان یک داوطلب همراه با موسسه خیریه بهنام دهش پور قدم بر می دارد که در این گزارش با اقدامات و مسیری که برای تهیه برنامه راهبردی موسسه آغاز شده است آشنا می شوید.

ضرورت های استفاده از مدیریت راهبردی در چیست؟

با تعریف های دقیقی که از نوع فعالیت مجموعه غیر دولتی در بالا آورده شد و همچنین مفهوم مدیریت استراتژیک می توان به ضرورت استفاده از آن پی برد. با توجه به تغییرات محیطی که در حال حاضر شتاب زیادی به خود گرفته است و پیچیده شدن تصمیمات سازمانی، لزوم بکارگیری برنامه ای جامع برای مواجهه با مسایل مطرح شده بیش از گذشته ملموس می شود.

این برنامه جامع چیزی جز برنامه استراتژیک نیست. مدیریت استراتژیک با تکیه بر ذهنیتی پویا، آینده نگر، جامع نگر و اقتضایی راه حل بسیاری از مسایل سازمانهای امروزی است. پایه های مدیریت استراتژیک بر اساس میزان



مدیریت استراتژیک با تکیه بر ذهنیتی پویا، آینده نگر، جامع نگر و اقتضایی راه حل بسیاری از مسایل سازمانهای امروزی است





اشاره این واحد پل ارتباطی بیماران با موسسه است و مددکاران وظیفه تشخیص میزان و چگونگی کمک‌های نقدی و غیرنقدی به بیماران را بر اساس معیارهای کارشناسی و بررسی وضعیت درمانی، معیشتی و شرایط خانوادگی آن‌ها عهده دار هستند. مددکاری موسسه فعالیت‌های خود را از سال ۱۳۷۹ با تعامل واحد مددکاری بیمارستان شهیدآباد آغاز نموده است. کلیه بیماران و مراجعه کنندگان براساس سیاست‌ها و استانداردهای مصوب موسسه از طریق این واحد مورد حمایت قرار می‌گیرند.

آشنایی با واحد مددکاری

تشکیل پرونده

سنجش برای آغاز فرآیندهای حمایتی، از کلیه بیماران مبتلا به سرطان در اولین اقدام براساس مصاحبه اختصاصی مددکاران موسسه با بیماران و یا همراه آنها و دریافت مدارک و مستندات برای هر بیمار یک پرونده مستقل تشکیل می‌شود. براساس شرایط هر بیمار و با استفاده از استانداردهای حمایتی مصوب، با دو روش مصاحبه حضوری و در صورت نیاز بازدید منزل، شرایط هر بیمار مستقلاً مورد سنجش قرار گرفته می‌شود. پس از بررسی‌های تخصصی برای هر پرونده حداقل درصد حمایت و میزان پرداخت هزینه‌های درمان و خدمات جانبی از سوی موسسه تعیین می‌شود.



واحد مددکاری موسسه مهرماه ۱۳۹۱ در بیمارستان امام حسین (ع) نیز مستقر و این مرکز نیز خدمات خود را مستقیماً به بیماران ارایه می‌نماید.

توسعه خدمات

تعامل در راستای توسعه خدمات حمایتی از سوی موسسه، علاوه بر نمایندگان مددکاری مستقر در بخش رادیوتراپی بیمارستان شهیدآباد تجریش، واحد مددکاری از مهرماه ۱۳۹۱ در بیمارستان امام حسین (ع) نیز مستقر و در این مرکز نیز خدمات خود را مستقیماً به بیماران ارایه می‌نماید. همچنین در تعامل با سایر سازمانهای مردم نهاد و خیریه، هم‌اکنون خیریه‌ای در شهر بیرجند (استان خراسان جنوبی) با هماهنگی این واحد اقدام به ارایه خدمات حمایتی و تامین هزینه‌های غیردرمانی به بیماران در این استان می‌نماید.

ارجاع به واحد مددکاری

نظام‌مند به منظور ارایه خدمات نظام‌مند و موثر به بیماران و افراد نیازمند، واحد مددکاری آمادگی خود را برای پذیرش بیماران از سوی مراکز درمانی، سازمان‌های غیر دولتی، خیریه، پزشکان و نیکوکاران اعلام می‌دارد. گزارش روند اقدامات صورت گرفته برای بیماران ارجاع شده براساس پیشرفت روند پرونده ایشان به فرد ارجاع دهنده ارایه می‌شود.

خدمات نقدی و غیر نقدی

پیگیری پیگیری امور درمانی بیمار در طول دوره درمان، معرفی و ارجاع فرزندان محصل بیمار به واحد هزینه تحصیلی (جهت دریافت حمایت تحصیلی) و یا واحد کتابخانه کودکان (جهت دریافت خدمات حمایت روحی-روانی، البسه، لوازم التحریر) و همچنین اهدای دارو و تجهیزات مصرفی و درمانی موردنیاز بیمار در صورت موجود بودن، پرداخت هزینه‌های درمانی و هزینه‌های ضروری غیردرمانی، آگاهی رسانی و راهنمایی در موضوع بیمه و کمک سایر مراکز، برای کلیه بیماران تحت پوشش و خانواده ایشان از وظایف ثابت مددکاران موسسه خیریه بهنام دهش پور است.

جشنی به شکرانه تندرستی



اشاره او سرطان را شکست داد! اما شکست بیماری که اسمش می تواند پشت خیلی ها را بلرزاند به راحتی همین یک جمله هم نیست. ماه ها و سال ها طول می کشد و با درد و رنج و خرج بسیاری نیز همراه است؛ البته درست است که با غم و درد شروع می شود و با رنج بسیاری نیز همراه است، اما هنگامی که به نقطه پایان می رسد، شما را از گرم ابریشم بودن به پروانه ای زیبا تبدیل خواهد کرد. وقتی یک نفر از بیماری سرطان نجات پیدا می کند، بدون شک می توان او را قهرمان دانست چه بسا این قهرمان ها کم سن و سال هم باشند. اینجا جایی است که برای این عنوان قهرمانی جشن گرفته می شود، جشنی به شکرانه شکست خرچنگ و گذر از بیماری سرطان. هر چند وقت یک بار با کمک خیرین برای جمعی از کودکان بهبود یافته از بیماری سرطان که تحت پوشش موسسه خیریه بهنام دهش پور بوده اند، جشنی به شکرانه سلامتی برگزار می شود. در ۱۶ مهر ماه امسال مصادف با روز جهانی کودک، مثل همیشه نیروهای داوطلب کتابخانه کودکان دست به دست هم دادند و از مقاومت این کودکان در مقابل بیماری سرطان تقدیر کردند.

هنر فای از سلامتی

در جشن تندرستی کتابخانه کودکان ۶۰ کودک که به همراه والدین خود حضور داشتند به تماشای نمایش های شاد و موزیکال نشستند، با هم مسابقه اجرا کردند و سپس گروه هنری تاک با اجرای نمایش های شاد بزرگ فندی و گرگ مهربان دوباره بچه ها و همه حاضرین در سالن را به دنیای شاد کودکی دعوت کرد. دیگر در آن بین خبری از دردهای شبانه بیماری نبود، خبری از چشم های نگرانی که هر لحظه به دنبال سرنگی قایم شده در دست پرستار باشد یا منتظر فردا که مجبور شود یک روز دیگر را با غریبه ای به نام سرطان در زندگی اش آغاز کند، امروز آن ها دست در دست هم حلقه ای درست کرده اند و تندرستی خود را به نمایش گذاشته اند.



هر سال در چند نوبت به مناسبت بهبود کودکان مبتلا به سرطان جشنی به نام تندرستی توسط کتابخانه کودکان برگزار می شود.



لبخندی از ته دل

یادم هست هر وقت به همراه داوطلب هایی که برای بازی با کودکان به بخش هماتولوژی بیمارستان شهیدای تجریش می رفتیم از دور رفتارشان را با آن ها زیر نظر داشتیم. داوطلب ها تمام سعی خود را می کردند تا به روی لب های کودکان بیمار لبخند بنشانند. کودکان بیمار حرف می زدند، بازی می کردند و گاهی هم شوخی می کردند؛ نمی گویم بچه ها نمی خندیدند اما دردی که پشت خنده آن بچه ها بود را به خوبی حس می کردم؛ امروز اما وقتی به چهره آن ها نگاه می کنم لبخند آنها واقعی و از ته دل است، بخصوص حالا که فهمیده اند قهرمان اند آن هم در جنگ بین مرگ و زندگی؛ در جشن تندرستی امسال که با همیاری مدیریت مجموعه فرهنگی - هنری تهران واقع در سینما ایران برگزار شد از خیرین و یاوران همیشگی کتابخانه کودکان و داوطلبین این واحد توسط خانم شهلا لاجوردی (مادر بهنام دهش پور) نیز تقدیر و تشکر بعمل آمد تا آن ها نیز بدانند در ساختن این قهرمان های کوچک سهمی بزرگ داشته اند.



افزایش مصرف نمک به ویژه مصرف غذاهای شور و نمک سود شده، شورها و کنسروها ممکن است موهب ایجاد سرطان معده شوند.

روبان‌های رنگی

روبان قرمز

شاید کمتر کسی باشد که این روبان را جایی ندیده باشد و درباره‌اش چیزی نداند. روبان قرمز یا همان نماد حمایت از مبتلایان به ایدز، شناخته شده‌ترین روبان رنگی است. البته کار این روبان فقط اعلام حمایت از بیماران HIV مثبت و تلاش برای پیشگیری از ابتلای دیگران نیست، بلکه برای بیماری قلبی و سوءمصرف مواد مخدر نیز از این رنگ استفاده می‌شود. البته اگر این روبان به رنگ قرمز تند باشد، نماد بیماری آنوریسم مغزی و اختلالات عروقی است.

روبان نقره‌ای

کسانی که این روبان را به لباسشان می‌آویزند می‌خواهند درباره سکته و اعتیاد دوران سالمندی هشدار دهند.

روبان نارنجی

از این روبان برای مبارزه با گرسنگی در جهان، اهمیت دادن به سلامت کارگران و بیماری MS است همچنین برای توجه به گوناگونی فرهنگ‌ها نیز استفاده می‌شود.

روبان سبز

سبز، رنگ زندگی است و به طور حتم اولین معنای آن می‌تواند طبیعت و حفاظت از محیط زیست باشد، اما بد نیست بدانید از روبان سبز به عنوان نماد افسردگی در دوران کودکی، سرطان خون، سرطان کبد، از دست دادن فرزند نیز استفاده می‌شود. همچنین برای ادای احترام به اهداکنندگان مغز استخوان و رانندگی بی‌خطر هم این روبان مورد استفاده قرار می‌گیرد.

روبان آبی

آبی تیره یعنی هشدار برای آرتروز و مخالفت با سواستفاده از کودکان و اعتیاد آنها و آبی روشن، نماد سرطان پروستات، سقط جنین، اختلالات تغذیه‌ای و تیروئید است. روبان آبی کم‌رنگ نیز نماد بیماری دیابت است.

روبان صورتی

این روبان پس از روبان قرمز، مشهورترین روبان رنگی و نماد آگاهی بخشی درباره سرطان پستان و نیز سرطان‌های دوران کودکی است. استفاده از این روبان به معنای هشدار برای انجام معاینه‌های منظم پستان و مراجعه پزشک زنان، از نخستین سال‌های بلوغ است. از این روبان اگر با رنگ آبی همراه شود تبدیل به نماد سرطان التهابی سینه و تلاش برای پیشگیری از مرگ‌ومیر اطفال می‌شود.

آیا تا به حال چیزی درباره روبان‌های رنگی شنیده‌اید؟ روبان‌هایی که هر کدام با رنگ مخصوص به خودش

با ما حرف می‌زند و هر رنگی نماد موضوعی است. از انواع سرطان‌ها گرفته تا تلاش برای صلح و بهزیستی. شما قرار است بادیکن آنها یاد یک بیماری خاص بیفتید یا حس کنجکاوی‌تان تحریک شود تا درصدد کسب اطلاعاتی درباره این نمادهای رنگی برآید. سازمان‌های خیریه و مراکز تحقیقاتی، برای هر بیماری یک روبان رنگی را به عنوان یک نماد و یا نشانه معرفی می‌کنند رایج‌ترین کاربرد روبان‌های رنگی «آگاهی دادن درباره بیماری‌ها و سلامت عمومی» است.

روبان زرد

این رنگ ذاتاً یک رنگ هشدار دهنده است و استفاده از آن یعنی هشدار برای سرطان کبد، مثانه است و نیز نماد مبارزه با خودکشی مخصوصاً خودکشی نوجوانان است.

روبان خاکستری

این روبان حرف‌های زیادی برای گفتن دارد و نماد هزار و یک نوع بیماری است. مثل سرطان ریه، بیماری‌های لنفاوی، سرطان‌ها و تومورهای مغزی، آلزایمر در کودکان، ناتوانی در تکلم و دیابت.

روبان سیاه

شاید اولین چیزی که با دیدن رنگ این روبان به ذهن می‌رسد نماد سوگواری باشد اما برای آگاهی بخشی درباره ملانوما که شایع‌ترین نوع سرطان پوست است از این روبان استفاده می‌شود.

روبان قرمز اولین روبانی بود که در پیروژه ایچ تی تی عنوان ایدز تجسم توسط عده‌ای هنرمند در شهر نیویورک که بسیاری از دوستان و نزدیکان خود را بر اثر این بیماری از دست داده بودند معرفی شد. آنها این روبان را نمادی از نروستان قرار دادند و طرح‌های هنری با موضوع مقابله بیماری ایدز را منتشر کردند.

جشنواره پاییزی

موسسه خیریه بهنام دهش پور

مجموعه فرهنگی ورزشی رفاهی تلاش

پرونده



... پرونده این شماره را تقدیم می‌کنیم به همه
... افرادی که از دل و جان در راستای سلامت
... بیماران مبتلا به سرطان و بهبود زندگی آنها
... در موسسه خیریه بهنام دهش پور تلاش می
... کنند، انسان‌هایی که به راستی ستون‌های
... همیشه استوار و عامل تداوم مسیری هستند
... که از سال‌ها پیش آغاز شد و همچنان ادامه
... دارد. مسیری که هر سال حامیان و خیرین
... تازهای را با خود همراه می‌کند. مجتمع
... فرهنگی، ورزشی، رفاهی تلاش از هفتم تا
... دهم مهرماه مملو از داوطلب‌هایی بود که
... همیشه اولویتشان اطلاع‌رسانی در مورد
... پیشگیری از بیماری سرطان بوده است؛
... جشنواره‌ها و بازارچه‌های خیریه بهنام
... دهش پور، در طول سالیان گذشته همواره
... بهترین فرصت برای برگزاری کمپین‌های
... اطلاع‌رسانی و معرفی خیریه بوده است. اما
... این بار نیز جشنواره پاییزی امسال همراه با
... بهانه‌ای تازه بود برای فرصت دوباره با هم
... بودن، دست در دست هم دادن و تامین
... هزینه دارو و درمان بیماران مبتلا به سرطان؛
... این جشنواره فرصتی بود برای یادآوری
... پیمانی که برای باری رساندن به هموعان
... خود در پیشگاه قلبان بستیم. هموعانی
... که شاید به واسطه حضور بیماری، چند
... صباحی از جریان عادی زندگی روزمره
... خود فاصله گرفته‌اند، اما شادی و امید
... به بهبودی حق و سهم همه آنها است.



در این بخش بفرستید و ببینید



کمپین اطلاع‌رسانی



میهمان
جشنواره



فلك شكان



کودکان در فضای شاد
جشنواره



حضور مهر و شادی در جشنواره پاییزی موسسه

پاییز امسال نیز همچون سال‌های گذشته به همت یاوران و حامیان همیشگی موسسه، سفره نیکوکاری و احسان برپا شد. جشنواره پاییزی امسال با هدف «تامین هزینه دارو و درمان بیماران مبتلا به سرطان» که تحت حمایت موسسه هستند و با حضور گرم و پر شور خیرین و نیکوکاران در مجتمع فرهنگی، ورزشی، رفاهی تلاش از هفتم تا دهم مهرماه برگزار شد.

حامیان

ستاد برگزاری جشنواره که شامل پرسنل و داوطلبان و یاران همیشگی موسسه هستند، با تلاش‌های شبانه روزی خود اقدام به برپایی و تجهیز غرفه‌ها در فضای جشنواره کرده و همه چیز از چند ماه قبل برای برگزاری فضای مهر و دوستی و استقبال از انسان‌های نوع دوست و نیکوکار فراهم شد. حامیان مالی جشنواره در هر طرف مجموعه دیده می‌شدند که در غرفه‌های خود با استقبال گرم از میهمانان مشغول معرفی محصولات خود بودند. غرفه‌های کافه رئیس، پوپر، حلواشکری عقاب، اوان دکور، چای مانی، کیف و کفش دنیلی، آژانس تبلیغاتی، ۳۶۰ درجه، چای تشریفات، شرکت زمینس از یک طرف و گلپا گالری، بستنی کاله، شکلات فرمند، مانتو ریس، آشپزخانه حسینییه اوین، کلینیک دامپزشکی آرآن، لوازم آرایشی و بهداشتی کدلی و لیراک، کاپریس، کافه مکث، گالری پرسته، لیلی کالکشن و هوجی تویز از طرف دیگر که همه و همه حامیان مالی جشنواره پاییزی امسال بودند. در گوشه و کنار سالن‌های مجموعه تلاش همچنین، غرفه‌هایی از قبیل مواد غذایی، رستوران‌ها، سوپر مارکت، صنایع دستی، شیرینی، غذاهای خانگی، کافی شاپ، پوشاک، جواهرات، زیور آلات، لوازم بهداشتی و آرایشی و به ارایه محصولات خود و ارتباط با بازدیدکنندگان و خیرین می‌پرداختند. همچنین در راستای همکاری با سازمان‌های غیر دولتی موسسه میزبان چهار سازمان غیر دولتی و عام المنفعه بود از جمله خانه‌ای برای آینده، کودکان فرشته‌اند، خیریه عمل و جامعه نیکوکاری یآوری سبز بود که فرصت حضور در جشنواره را داشتند.



این بار نیز موسسه در راستای مسئولیت اجتماعی میزبان چهار سازمان غیر دولتی و عام المنفعه بود

درخت آرزوها



از پله‌های ورودی مجموعه که بالا می‌رفتیم درختی کوچک اما پر بار که روی آن پر شده بود از قلب‌های کوچک قرمز رنگ، نظر هر بازدیدکننده‌ای را به سوی خود جلب می‌کرد.

آرزوها

نزدیک تر که می‌شدیم بر روی هر قلب که از درخت آویزان شده بود، اسم کودکی دیده می‌شد که از فرشته‌های مهربان آرزویی را طلب می‌کرد. خیلی‌ها در جشنواره از فرصتی که در اختیارشان قرار گرفته بود استفاده کردند و تبدیل شدند به فرشته‌های مهربان زمینی که آرزوی قلب‌های کوچک کودکان مبتلا به سرطان را برآورده می‌کردند و به آنها برای مبارزه با بیماریشان امید بیشتری می‌دادند.

یکی از بهترین اتفاقات جشنواره امسال برآورده شدن تمامی آرزوهای نوشته شده کودکان بر روی درخت بود. طبق گزارش «کتابخانه کودکان خیریه بهنام دهش پور» تا آخرین روز جشنواره تمامی آرزوهای کودکان تحت حمایت این موسسه که شامل اسباب بازی‌های رنگارنگ، عروسک‌های زیبا و... بود توسط خیرین برآورده شد و دیگر هیچ آرزوی برآورده نشده‌ای بر روی درخت باقی نماند.



یکی از بهترین اتفاقات جشنواره امسال برآورده شدن تمامی آرزوهای نوشته شده کودکان بر روی درخت بود. طبق گزارش «کتابخانه کودکان خیریه بهنام دهش پور» تا آخرین روز جشنواره تمامی آرزوهای کودکان تحت حمایت این موسسه که شامل اسباب بازی‌های رنگارنگ، عروسک‌های زیبا و... بود توسط خیرین برآورده شد و دیگر هیچ آرزوی برآورده نشده‌ای بر روی درخت باقی نماند.

قلک‌شکان

قلک به واسطه کمک‌های نقدی نیکوکاران که در قلک‌های بهنام گردآوری می‌شود؛ همه ساله قسمتی از هزینه‌های جاری بیماران تحت پوشش موسسه تامین می‌شود.

در سومین روز از جشنواره پاییزی، برنامه قلک‌شکان به همت نیکوکاران موسسه در سالن آمفی تئاتر مجموعه تلاش برگزار شد.

قلک‌هایی که با داستان پرمهر یاوران همیشگی بهنام نقاشی و با رنگ‌ها و طرح‌های زیبا آذین بندی شده و توسط نیکوکاران پر شده بود و در این مراسم با حضور بینندگان شکسته و هزینه‌های جمع آوری شده، صرف هزینه‌های دارو و درمان بیماران مبتلا به سرطان می‌شود.



قلک‌های
زمینه‌ای است
برای
رویش امیدری
نوباره در دل
بیماران مبتلا به
سرطان

میهمانان جشنواره



جشنواره پاییزی امسال، میزبان جمع کثیری از دولتمردان، هنرمندان و ورزشکاران بود که طی ۴ روز برپایی جشنواره با حضور **استقبال** گرم خود مورد استقبال موسسه و بازدید کنندگان قرار گرفتند.

از جمله این میهمانان می‌توان از بزرگمهر حسین‌پور، فاطمه معتمد آریا، ایرج نودری، احسان روزبهانی، سام نوری، بنیامین چهرمی، آراد آریا، آناهیتا همتی، صالح میرزا آقایی، امیرحسین مدرس، محمد هادی فدوی، علی زند وکیلی، عبدالرشید عبدالکریم و فرهاد مجیدی و همچنین گروه بهرامی نام برد.

از دیگر بازدید کنندگان جشنواره، دکتر ربیعی (وزیر رفاه، کار و تعاون اجتماعی)، دکتر کمرهای (ریاست پردیس فنی دانشگاه تهران) و دکتر نوروزی (معاون طرح و برنامه سازمان بیمه خدمات درمانی نیروهای مسلح) بودند.

جشنواره پاییزی
امسال، میزبان
جمع کثیری
آر و تمردان،
هنرمندان و
ورزشکاران بود

اکران فیلم «کچل، چاق، سیبیلو»

مستند آرش شهبازی یکی از داوطلبین قدیمی موسسه است. فیلم کوتاه و مستند «کچل، کچل، سیبیلو» در خصوص آرزوهای کودکان مبتلا به سرطان از ساخته‌های این یاور عزیز بود که در روز سوم و همچنین در مراسم اختتامیه به نمایش درآمد و مورد استقبال زیاد بازدید کنندگان قرار گرفت. آرش که خودش از بهبود یافتگان بیماری سرطان است در این فیلم روند بیماری و همه دغدغه‌ها و مشکلاتی که در راه درمانش پشت سر گذاشته بود را به روایت و زبان تصویر کشید.



کودکان در فضای شاد جشنواره

کودک جشنواره امسال فضایی شاد و هیجان انگیزی را بخصوص برای کودکان رقم زد. یاوران مهربان موسسه در «شهر کتاب فرشته» با حمایت شرکت «لگو» برنامه‌های جذابی را برای کودکان تدارک دیده بودند. فیلم خاطره انگیز «پاتال» که در سالن آمفی تئاتر پخش شد، اجرای نمایش عروسکی و همچنین مسابقه‌ای هیجان انگیز برای کودکان و شاهنامه خوانی دختری کوچک، شور و نشاط خاصی را برای آنها و خانواده‌هایشان به ارمغان آورد.



مداکر نمک مجاز برای هر نفر در طول روز یک قاشق مربامواری است که شامل نمک اضافه شده در هنگام طبخ و نمک مصرفی برای میوه ها است.

خلق نقاشی جنگ

سیامک خازنی یک گرافیسست خوش قلب است که در این جشنواره همراه داوطلب‌های موسسه با استفاده از توانایی هنری خود اثر نقاشی را به صورت زنده در مدت چهار روز در جشنواره اجرا کرد.

او چند وقتی بود که بر روی پروژه ای با موضوع جنگ کار می کرد که پیشنهاد حضور در جشنواره را دریافت کرد و از صمیم قلب پذیرفت، وسایل مختصر کارش را به جشنواره آورد و یک تابلو با تکنیک ترکیبی از روان نویس، خودکار و مداد را در غرفه آوان دکور پیاده کرد. در روز پایانی اثر طراحی شده توسط او به مزایده گذاشته شد.

قیمت پایه این اثر دو میلیون تومان بود که در مزایده با قیمت پنج میلیون تومان به فروش رسید و تمامی عواید حاصل از فروش آن به موسسه خیریه بهنام دهش پور اختصاص یافت.



گروه «بمرانی» و اجرای موسیقی شاد

پخش زنده قطعه موسیقی «بخند» گروه بمرانی از اتفاقات مبتکرانه، جالب و پرشور این جشنواره بود. گروه بمرانی برای اولین بار در عرصه کاری خود به صورت پخش زنده این قطعه موسیقی را برای بیماران و نیکوکاران یک سازمان مردم نهاد اجرا کرد. این گروه قطعه بخند را در محل نگاهگاه و با حضور جمعی از بیماران ساکن و داوطلبان موسسه اجرا و همزمان صدا و تصویر آنها به صورت زنده برای بازدیدکنندگان حاضر در مراسم اختتامیه جشنواره پخش شد. این اجرا که با همکاری آژانس تبلیغاتی ۳۶۰درجه، شرکت «شاتل» و «آپارات» برگزار شد، مورد استقبال بازدیدکنندگان جشنواره قرار گرفت. گروه بمرانی از سال ۱۳۸۸ با انتشار کارهای خود در فضای مجازی فعالیت خود را از کافه‌ها آغاز نمود. در ادامه در کنار گروه‌های تئاتر قرار گرفت. بمرانی هر چند وقت یک بار کنسرت‌های خیریه نیز برگزار می کند.

بخند

این گروه از جمله گروه‌های نوپای موسیقی است که اخیراً طرفداران بسیاری به واسطه سبک جدید و رابطه صمیمی‌اش با مخاطب برقرار کرده است. روند ساخت قطعه «بخند» که به طور اختصاصی برای موسسه خیریه بهنام دهش پور سروده شده است سه هفته به طول انجامید. بهزاد عمرانی خواننده و گیتار ریتم، مانی مزدکی سازدهنی، جهانیار قربانی گیتار الکتریک، آرش عمرانی پیانو، کیسورد، کیارش عمرانی گیتار باس و آبتین یغماییان درام و کاخن اعضای گروه بمرانی هستند.

یادی از گذشته





کمپین اطلاع رسانی

در راستای اطلاع رسانی کمپین آموزشی «بیشتر بدانیم، بهتر بمانیم» در خصوص عموم سرطان‌ها خصوصاً سرطان پستان در آخرین روز جشنواره برگزار شد. جمعی از داوطلبان واحدهای آموزش و روابط عمومی با حضور در غرفه‌های اطلاع رسانی با توزیع بروشورهای آموزشی، پذیرای بازدیدکنندگان بودند و در کنار ارائه اطلاعات در خصوص روش‌های پیشگیری و درمان سرطان، به معرفی خدمات قابل آرایه در موسسه خیریه بهنام دهش پور نیز پرداختند.

امضای جان پوری در دل آهن است
هر که آهن تر بود جانش قوی است

پایان جشنواره و حرکت به سوی آینده

مراسم اختتامیه و تقدیر از حامیان موسسه با حضور دو هنرمند محبوب، بهاره کیان افشار داوطلب قدیمی و همیشگی موسسه و همچنین بهرام رادان سفیر اختتامیه سلامت موسسه برگزار شد. در آخرین ساعات پایانی مراسم، قرعه کشی بزرگ جشنواره پاییزی نیز برپا شد و جوایز ارزنده‌ای به برگزیدگان اهدا شد. جشنواره پاییزی امسال به یاری خداوند مهربان و حمایت یاران و یاوران همیشگی موسسه که بدون زحمات شبانه روزی آن‌ها برپایی موفق این برنامه ممکن نبود، با هدف «تامین هزینه دارو و درمان بیماران مبتلا به سرطان» برگزار شد و در ساعات پایانی دهم همراه به کار خود پایان داد. در پایان جشنواره داوطلبان، یاران و یاورانی را می‌دیدید که چهره‌هایشان شاید خسته اما لبخند رضایت بر لبانشان نقش بسته بود. جالب این بود که «برگزاری پر شور جشنواره بعدی» دغدغه و حرف مشترک همه شان بود.





بهنام دهش پور
حمایت از بیماران
مبتلا به سرطان
Behnam Daheshpour
Charity Organization

برای جلوگیری از ابتلا به سرطان برپسب غذاها را از نظر نمک موجود بررسی کنید و همیشه انواع کم نمک و بی نمک را انتخاب کنید.



حضور پرشور مردم در جشنواره



دکتر نوروزی معاون طرح و برنامه سازمان بیمه خدمات درمانی نیروهای مسلح



رضا بنفشه خواه بازیگر



فاطمه معتمد آریا بازیگر



علی زند وکیلی خواننده



اجرای برنامه شاد برای کودکان



امیرحسین مدرس هنرمند



دکتر ربیعی وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی



دل نوشته ها



فهرادمجیدی فوتبالیست



صالح میرزا آقایی بازیگر



امیر حسین رستمی بازیگر



قلک های بهنام رویش امیدی دوباره

اشاره

فرض کنید در بحبوحه این روزهای زندگی شهری و مشکلاتش ناغافل به شما بگویند که مبتلا به بیماری سرطان شده‌اید و شاید مدت زیادی زنده نباشید! اگر بگویم همه که اغراق کرده‌ایم اما شاید ۸۰ درصد ما با اضطراب و نگرانی بسیاری روبرو می‌شویم و بعد هم کار و زندگیمان را تعطیل می‌کنیم و زانوی غم بغل گرفته، منتظر مرگ می‌نشینیم. اما در میان همان ۲۰ درصد امیدوار، هستند افرادی که با وجود بیماری سختی که خیلی زود در اوج جوانی به سراغشان آمده نه تنها ناامید نشده‌اند، بلکه امروز جزو افراد موفق این جامعه به حساب می‌آیند. در واقع این افراد از نقطه ضعف و یا مشکلی که به سراغشان آمده راهی برای پیشرفت خودشان ساخته‌اند. شاید بهتر باشد شما هم با زندگی فردی آشنا شوید که به قول خودش ۱۶ بار مرد و زنده شد اما حالا او خودش برای زنده ماندن دیگران تلاش می‌کند. واحد آموزش موسسه با همکاری گروه مهرنیا در ۲۱ مهر برنامه‌ای به نام «هم نشینی با بهبود یافتگان» را برای بیماران مبتلا به سرطان که در بیمارستان شهدای تجریش در حال درمان بودند برگزار کرد. در ابتدای برنامه مرجان محمدیان کارشناس ارشد روانشناسی بالینی و دکتر فریدون حقی در مورد شاد زیستن بدون بهانه و تاثیر امید به زندگی، معنویت و شادی در بهبود این بیماری صحبت کردند؛ در این همایش که با هدف بسالارفتن میزان امید و انگیزه در بیماران مبتلا به سرطان برگزار شد، بیماران با دو تن از بهبود یافته‌های موفق به تبادل و انتقال تجارب خود پرداختند که در اینجا بهتر دانستیم تا شما را هم با زندگی یکی از این افراد آشنا کنیم؛ باشد که اهداف و موفقیت‌های او نیز انگیزه‌ای باشد برای سلامت زندگی شما دوستان گرمای موسسه.



درخت آرزوها

بدون بهانه شاد زیستن

دور... ۲ دور... دور سوم حس می‌کردم که دنیا دور سرم می‌چرخد. یک دفعه افتادم وسط حیاط. پشت سرهم بالا می‌آوردم، طوری که حتی معلم‌هایمان هم ترسیده بودند. زنگ زدند پدرم آمدند مدرسه و من برای نخستین بار آمدم مرکز طبی اطفال.»

اولین قدم در مرکز طبی کودکان

هفته آخر آذرماه سال ۸۱؛ این همان تاریخی است که فریدون برای نخستین بار از در مرکز طبی اطفال گذشت؛ یعنی همین جایی که امروز ایستاده، «البته چند روز قبل از بستری شدنم در بیمارستان، به اصرار پدرم دکتر درمانگاه برایم آزمایش خون نوشت که اتفاقاً جوابش همان روزی که در مدرسه حامله بد شد آماده شد. هنوز یادم نرفته که در آزمایش CBC بدون استثنا همه عددها با مائیک هایبالات شده بود؛ گلبول‌های سفید، گلبول‌های قرمز، هماتوکریت، پلاکت‌ها...؛ مثلاً هموگلوبین من ۵ بود درحالی که اندازه نرمال بین ۱۲ تا ۱۸ است. در این مدت

سه ماه مداوم سفکسیم ۴۰۰ خوردن برای فریدون ۸ ساله بود؛ خودش می‌گوید: «شاید اگر آن همه سفکسیم نمی‌خوردم بیماری‌ام اینقدر تشدید نمی‌شد. اما کم‌کم کار به جایی رسید که حتی در مدرسه هم با اینکه خیلی جنب‌وجوش نداشتم کم می‌آوردم و نمی‌توانستم این طرف و آن طرف بروم، مخصوصاً زنگ ورزش». هر قدر که زنگ ورزش برای بقیه همکلاسی‌های فریدون وقت تفریح و بازی و هیجان بود، برای او تبدیل شده بود به یک کابوس؛ «هنوز پاییز تمام نشده بود، من همیشه زنگ ورزش یک گوشه می‌ایستادم و بقیه را نگاه می‌کردم. اما آن روز معلم ورزشمان خیلی جدی گفت که من هم باید مثل بقیه بچه‌ها دور حیاط بدم. فکر می‌کردم دروغ می‌گویم که نمی‌توانم و حامله بد است. پرسید: مگر چه بیماری داری؟ من هم به گفته پزشک درمانگاهمان گفتم سینه‌وزیت دارم. معلم‌مان هم گفت سینه‌وزیت که چیزی نیست. تنبلی نکن بدوا همین شد که شروع کردم به دیدن دور حیاط. یک

فریدون حقی یکی دیگر از همان آدم‌هایی است که معجزه را به چشم دیده، او چندین بار معجزه را هدیه گرفته و حالا به یکی از افرادی تبدیل شده که خودش معجزه سلامت را هدیه می‌دهد. در حیاط بیمارستان با نگاهش بچه‌های بیمار را دنبال می‌کند و ادامه می‌دهد: «شاید باور نکنید بعد از ۱۶ بار مردن و زنده شدن الان دیگر از مردن نمی‌ترسم...» «دلیلش هم برمی‌گردد به روزهایی که هیچ‌وقت از یاد نمی‌برم، روزهایی که هر جا می‌رفتم، هر کاری می‌کردم یک غریبه هم مثل سایه پا به پای من می‌آمد؛ روزهایی که برای زندگی نفس نفس می‌زدم و غریبه دست انداخته بود دور گردنم تا اذیتم کند.

بیماری‌های کوچک را نیز جدی بگیرید

نزدیک خانه فریدون درمانگاه کوچکی بود که پدر و مادرش بارها به خاطر ضعف و تنگی نفس پسرشان به آنجا سر زدند و هر بار جواب فقط یک جمله بود: نگران نباشید. پسر شما فقط سینه‌وزیت دارد! نتیجه این تشخیص اشتباه

هرکدامان زنده ماندیم آنقدر درس بخوانیم که خودمان بتوانیم راه درمان این بیماری را پیدا کنیم یا حداقل به بچه‌هایی که مثل خودمان هستند کمک کنیم». فریدون هیچ‌وقت فکر نمی‌کرد که یک قول ساده به یک دوست که خیلی زود از دنیا رفت آینده او را رقم بزند

تغییر راه زندگی

فریدون روز انتخاب رشته در دبیرستان با اینکه تصمیم جدی برای ادامه تحصیل در رشته تجربی نداشت، ناخودآگاه یاد میلاد می‌افتد؛ یاد قولش؛ یاد همه روزهایی که در بیمارستان بستری بود و رشته تجربی را انتخاب کرد فریدون قبل از این، دوئل مرگباری را پشت سر گذاشته بود و حالا گذشتن از سد کنکور برای او کار سختی نبود؛ «روزهای زیادی با جدیت درس خواندم تا اینکه سال ۹۱ با رتبه ۴۸ در رشته پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران قبول شدم؛ اما چون به پرستاری هم علاقه زیادی داشتم و در دوران بیماری‌ام محبت زیادی از کادر پرستاری دیده بودم مخصوصاً خانم‌ملکی، پرستار باسابقه و مهربان مرکز طبی کودکان، تصمیم گرفتم که به احترام ایشان و شغلشان در هر دو رشته به‌صورت همزمان درس بخوانم چون معتقدم این دو رشته با هم جدا نیستند. چندماه هم به عنوان دانشجوی پزشکی و پرستاری، هم در انستیتو کنسر بیمارستان امام‌خیمینی (ره) و هم در مرکز طبی کودکان حضور داشتم».

«تو خوب شده‌ای». بازم حس متفاوت یک جمله ۳ کلمه‌ای؛ «حسش دقیقا مثل تولد دوباره بود... فقط خدا را شکر می‌کردم که از این دوره گذشتم. من هیچ‌وقت سرطانم را پنهان نکردم، الان هم همه جا می‌گویم که ۳ سال از بهترین روزهای بچگی‌ام را سرطان داشتم و آنقدر قوی بودم که آن را شکست بدهم. باور کنید این مبارزه از افتخارات من است.»

معجزه دوستی

تقویم زندگی فریدون به اینجا که می‌رسد یعنی تابستان سال ۸۴ رنگ دیگری می‌گیرد؛ رنگ روزهایی طلایی و پر از امید؛ «در روزهایی که بیمارستان بودم نمی‌توانستم مدرسه بروم و فقط امتحان‌های آخر سال را می‌دادم اما از وقتی که خوب شدم تصمیم گرفتم به قولی که به خودم و دوستم میلاد داده بودم عمل کنم. او از من بزرگ‌تر بود. وقتی در بیمارستان بستری شد اول دبیرستان بود و سرطان خون پیشرفته داشت. اما هیچ‌وقت یادم نمی‌رود که با همان حال و بیماری در حالی که دکترها گفته بودند یک‌ماه بیشتر زنده نمی‌ماند بازم درس را رها نمی‌کرد می‌گفت: فریدون قول بده

علاوه بر ضعف و بی‌حالی، مهمان ناخوانده فریدون علائم دیگری را هم به او نشان داده بود؛ «کم‌کم کبد و طحالم بزرگ شده بود، طوری که هفته اولی که در بیمارستان بستری شدم شکمم به‌طور غیرطبیعی بزرگ شد. از همان روز اول در بخش خون بستری شدم؛ آزمایش‌های زیادی دادم. بارها از من آزمایش مغز استخوان گرفتند اما تشخیص قطعی‌ای برای بیماری‌ام نداده بودند».

اولین معجزه «مهر پدري»

در یکی از روزهایی که فریدون و خانواده‌اش منتظر جواب آزمایش‌ها و تشخیص بیماری او بودند، حال فریدون از همیشه بدتر شد و کارش به ICU کشید؛ «دقیقا ۲۰ روز در ICU بستری بودم. از این ۲۰ روز ۱۵ روز در کما بودم و از طریق لوله تنفس می‌کردم. چون هموگلوبینم خیلی پایین آمده بود، خیلی‌ها امید به برگشتم نداشتند به طوری که به‌خاطر کمبود تخت خالی در ICU کادر پزشکی آن روزها، دستور ترخیص من از ICU را داده بودند اما از کادر پرستاری افرادی بودند مثل پرستار عذرا ملکی که مخالفت کرده بودند.

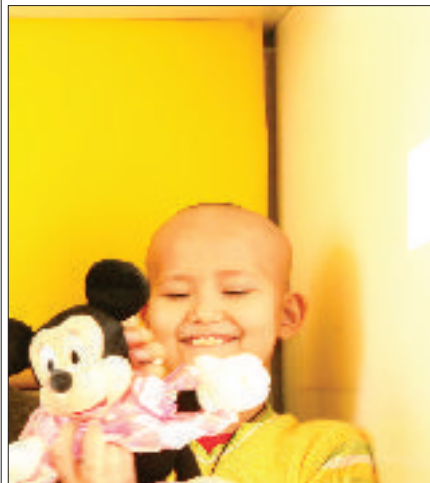
نکنه جالب اینجاست که ۴ روز بعد از اینکه دستور قطع لوله‌های تنفسی من را داده بودند حالم بهتر شد و از ICU به بخش خون منتقل شدم.» اما فکر می‌کنید چه چیزی مثل یک معجزه دست فریدون را گرفت و او را از میانه راه زمین و آسمان به زمین برگرداند؟ بهتر است جواب را از دهان خود فریدون بشنوید؛ «با اینکه در آن حالت درک درستی از اتفاقاتی که در اطرافم می‌افتاد نداشتم اما یک لحظه حس کردم که پدرم کنارم تخته است و با من صحبت می‌کند. حتی حرف‌هایش را کامل به یاد نمی‌آورم اما می‌دانم می‌گفت: فریدون، من یک‌بار فریدونم را (منظور پدرم برادر بزرگترم بود که قبل از من فوت شده بود) از دست داده‌ام نمی‌خواهم تو دومی باشی.» نتیجه دقیقا چیزی بود شبیه معجزه؛ حال فریدون آنقدر خوب می‌شود که با پای خودش به بخش می‌رود.

تشخیص بیماری

روزهای سال برای فریدون و خانواده‌اش اگر چه سخت اما تند و تند گذشتند تا اینکه فریدون در مردادماه سال ۸۲ و بعد از ۸ ماه بستری بودن در مرکز طبی کودکان، به پیشنهاد پزشک معالجش، راهی بیمارستان گلستان نیروی دریایی می‌شود تا اینکه بعد از ۸ ماه دکتر پروانه وثوق تشخیص قطعی‌ای برای بیماری‌اش داد؛ «لنفوم هوچکین!» فریدون برای درمان این بیماری عجیب بارها و بارها به پزشک مراجعه کرده بود و جواب‌های مختلفی هم گرفته بود؛ از ساینوزیت گرفته تا نفرس! تشخیص نهایی اما جمله‌ای بود که قطعاً هیچ‌کسی دوست ندارد از زبان یک پزشک بشنود؛ «فریدون سرطان دارد!» شنیدن این جمله ۳ کلمه‌ای برای خانواده فریدون قطعاً سخت بود اما او یکی از خوشبخت‌ترین بچه‌های بیمار بود چون خانواده‌اش مثل کوه پشتش بودند و هیچ‌وقت هم او را تنها نگذاشتند.

شکست خرنجنگ

فریدون ۳ سال تمام با سرطان جنگید تا اینکه بالاخره جمله‌ای را که دوست داشت از زبان دکتر مهور شنید:



بخشش معجزه

حالا فریدون روپوشی سفیدرنگ پوشیده؛ کافی است چشم‌هایش را ببندد تا برای بیمارانش کم سن و سال این اتاق، داستان پسری را بگوید که یک روز روی همین تخت توی همین اتاق بستری بود. قبول کنید که هیچ‌کس بهتر از فریدون حال این بچه‌ها را نمی‌فهمد وقتی که می‌گویند پاهایمان انگار حس ندارند، تکان نمی‌خورند؛ راه نمی‌روند. وقتی که عرق سرد می‌نشیند روی پیشانی‌شان و زبان‌شان خشک می‌شود. وقتی که نخستین قطره داروی شیمی‌درمانی وارد رگ دست‌شان می‌شود، خودشان را به در و دیوار می‌زنند؛ صدایشان اوج می‌گیرد و تنشان می‌لرزد. همه این‌صحنه‌ها برای او آشناست... حالا ۱۳ سال بعد است و فریدون حقی بازم مثل آن روزها راهروی بلند بخش خون را بالا و پایین می‌کند. اما این بار دیگر خبری از بیماری‌اش نیست؛ او اینجاست تا همراه و باور بچه‌های کوچکی باشد که شرایطی مثل گذشته او دارند.

دقت کنید که گوشت کاملاً پخته شود تا باکتریها و انگل‌های مضر آن از بین بروند اما از پخت زیاد آنها اجتناب کنید.



اشاره
همه همسایه‌های نزدیک خانه‌اش می‌دانستند او هر زمان که کار خاصی نداشته باشد به پارک نزدیک خانه‌شان می‌رود و با بزرگ و کوچک شروع می‌کند به فوتبال بازی کردن. گاه گذاری هم که می‌دید بچه‌ای استعدادی در همان بازی‌ها از خود نشان می‌دهد او را به باشگاه‌ها معرفی می‌کرد. وقتی هم با توپ نبود با یک صندلی در پارک روبه‌روی خانه‌اش می‌نشست و همیشه می‌گفت هوای اینجا دلپذیرتر از گوشه چهار دیواری خانه است. او که حالا به یک اسطوره برای مردم و علاقه‌مندان به فوتبال شناخته شده بر اثر بیماری سرطان از میان دوست‌دارانش رفته است اما به همت همین علاقه‌مندان مستندی از زندگی این مرد دوست‌داشتنی ساخته شده و در اکران خصوصی به نمایش درآمد یکی از حامیان معنوی این فیلم مستند «موسسه خیریه بهنام دهش پور» است.

حامی معنوی مستند من ناصر حجازی هستم

امیر رفیعی (تهیه‌کننده)، خسرو نقیعی (نویسنده) و نیاز افشین‌کیا (سرمايه‌گذار) برگزار شد؛ چند نسل از فوتبالیست‌های کشور از هم‌بازی‌های ناصر حجازی تا شاگردان سال‌های دور و نزدیک او به دیدن مستند «من ناصر حجازی هستم» آمدند. از پیش‌کسوت‌هایی چون همایون بهزادی و حسین کلانی و نصرالله عبدالله‌ی گرفته تا جواد نکونام کاپیتان تیم ملی و تعدادی از بازیکنان گذشته و حال باشگاه استقلال در شب برفی دوشنبه ۲۳ آذرماه به موزه سینما آمده بودند. جواد یحیوی مجری مراسم بود. یحیوی در ابتدای مراسم به تقارن این شب با شصت و ششمین سالگرد تولد مرحوم ناصر حجازی اشاره کرد و گفت حجازی برای ما همیشه زنده است. جمله‌ای که با تشویق و دست‌زدن حضار همراه شد. یحیوی ناصر حجازی دروازه‌بان اسطوره‌ای استقلال و تیم ملی را انسانی ویژه با تلاشی ویژه و داستانی قابل توجه در زندگی توصیف کرد و از جمعیتی که با وجود ترافیک و بارش برف و باران در تهران خودشان را به سالن موزه سینما در تجریش رسانده بودند، تشکر و اظهار امیدواری کرد «همه بدگمانی‌ها و تنگ‌نظری‌ها را کنار بگذاریم و این فیلم را به عنوان یادگاری تاریخی از این اسطوره فوتبال ایران حفظ کنیم»

شصت و ششمین تولد بدون او
آغاز اکران فیلم مستند «من ناصر حجازی هستم» در گروه سینماهای هنر و تجربه تحت عنوان «آیین دیدار» هم‌زمان با زادروز بهترین دروازه‌بان قرن آسیا در موزه سینما با همکاری «موسسه خیریه بهنام دهش پور» و با حضور جمعی از اعضای خانواده مرحوم ناصر حجازی، اصحاب رسانه، فوتبالیست‌ها و عوامل تولیدکننده فیلم از جمله نیما طباطبایی (گاردان)



سرطانی که تو را از ما گرفت

ناصر حجازی متولد ۲۳ آذر ماه ۱۳۲۸ در شهر تهران بود، درخشش ناصر حجازی در دوران بازی و کسب افتخارات بسیار که حضور در جام جهانی و المپیک همراه با قهرمانی‌های بسیار در عرصه باشگاهی و ملی در قاره آسیا نمونه‌هایی از آن بوده است، باعث شد تا فدراسیون بین‌المللی تاریخ و آمار فوتبال در انتخاب برترین‌های قرن بیستم، حجازی را دومین دروازه‌بان برتر قرن قاره آسیا و چهل و یکمین دروازه‌بان شایسته جهان معرفی نماید.

افتخارات و قهرمانی‌های ناصر حجازی در عرصه مربیگری با باشگاه محمدان بنگلادش آغاز شد و در باشگاه استقلال که مهمترین آن کسب نایب قهرمانی جام باشگاه‌های آسیا بود، ادامه یافت و با صعود به مرحله نیمه‌نهایی جام حذفی کشور اسلوواکی با تیم دی استرادا خاتمه یافت.

او در تاریخ ۲ خردادماه ۱۳۹۰ به دلیل ابتلا به بیماری سرطان از دنیا وداع کرد تا دو روز بعد چهره محبوب و تحصیلکرده فوتبال ایران در میان خیل عظیمی از جمعیت در قطعه نام اوران به خاک سپرده شود.



آموزش آرامسازی و مدیریت استرس برای زنان مبتلا به سرطان سینه

کتاب راهنمای درمانگر

اشاره می‌توان سرطان پستان را شایع‌ترین و از نظر عاطفی و روانی تأثیرگذارترین سرطان در بین زنان عنوان کرد. افراد مبتلا به این بیماری نسبت به دیگر انواع سرطان‌ها مدت طولانی‌تری با بیماری و عوارض کوتاه و بلند مدت آن مانند برداشت کامل و یا ناقص پستان، شیمی‌درمانی، رادیوتراپی و هورمون‌درمانی مواجه می‌شوند، به طوری که تشخیص و درمان این سرطان موجب بروز مشکلات هیجانی، عاطفی و درماندگی روان‌شناختی عمیقی در این بیماران می‌شود. از این پس هر بار با هدف توسعه سطح دانش و آگاهی عمومی، یک کتاب مؤثر در حوزه بیماری سرطان را به شما معرفی خواهیم کرد. این بار کتاب «آموزش آرامسازی و مدیریت استرس برای زنان مبتلا به سرطان سینه» به مخاطبان و علاقمندان به روش‌های درمانی گروهی معرفی می‌شود.

معرفی کتاب

لحاظ نمودن درمان‌های روان‌شناختی برای بیماری‌های مزمن پزشکی در کنار خدمات درمانی همواره تأکید شده است. امروزه رفتاردرمانی گروهی، در قالب گروه‌های درمانی شناختی و رفتاری روشی نوین برای مقابله با انواع استرس از سوی متخصصین روان‌شناسی توصیه می‌شود. کتاب «آموزش آرامسازی و مدیریت استرس برای زنان مبتلا به سرطان سینه» با بررسی عوامل به وجود آورنده اضطراب و استرس ناشی از طول درمان و مراحل بعد از آن، ضمن معرفی روش درمانی گروهی، گامی مؤثر در جهت کاهش افسردگی، اضطراب و تأثیرات منفی ناشی از طول درمان در بیماران مبتلا به سرطان پستان برداشته است. روان‌شناسان، مددکاران و پزشکان آنکولوژیست که با بیماران مبتلا به سرطان در ارتباط هستند را می‌توان مخاطبان اصلی و گروه هدف مورد نظر نویسنده این کتاب عنوان کرد. این کتاب آموزشی در دو جلد مرتبط (کتاب راهنمای درمانگر و کتاب کار مراجع) تألیف و ترجمه شده است. در این کتاب روش و محتوای آموزشی-کاربردی برگزاری ۱۰ جلسه درمانی گروهی (به مدت ۱۲۰ تا ۱۵۰ دقیقه) در گروه‌های ۳ تا ۸ نفره ارائه شده است. مطالب آموزش داده شده در این پکیج درمانی به قرار زیر است:

جلسه اول: منطبق مدیریت استرس.

جلسه دوم: استرس و آگاهی.

جلسه سوم: ارتباط افکار و هیجانات و شناسایی تحریفات شناختی.

جلسه چهارم: جایگزینی افکار منطقی.

جلسه پنجم: سبک‌های مقابله‌ای (بخش اول).

جلسه ششم: سبک‌های مقابله‌ای (بخش دوم).

جلسه هفتم: حمایت اجتماعی.

جلسه هشتم: مدیریت خشم.

جلسه نهم: آموزش ابرازگری.

جلسه دهم: جمع بندی

روش ارائه شده در این کتاب توسط دکتر مایکل آنتونی و جمعی از همکاران ایشان بر روی تعدادی از بیماران مبتلا به سرطان پستان و پروستات و تعدادی از بیماران مبتلا به ایدز، بررسی و توصیه شده است. این کتاب توسط عطیه سفرزاده و رعنا کریمی دانشجویان دکتری روان‌شناسی بالینی ترجمه شده است. روش پیشنهاد شده این کتاب در میان گروهی از بیماران مبتلا به سرطان پستان در بیمارستان مصطفی خمینی به صورت عملی مورد آزمایش قرار گرفته است. این روش علاوه بر کاهش استرس و آموزش مهارت‌های اجتماعی گروه درمانی شناختی رفتاری در درمان مشکلات دیگر نیز موفق عمل کرده است. از جمله کاهش اثر افسردگی، کاهش اضطراب عمومی، کنترل خشم، کنترل درد، شکل‌گیری و ارتقای توانایی‌های والدین، برطرف کردن و حل مشکلات ناشی از طلاق را نیز در پی داشته است. امید است با استفاده از این کتاب بتوانیم گامی هرچند کوچک در راستای خدمت‌رسانی به این بیماران برداشته باشیم.



به مناسبت روز جهانی داوطلب جمعی از داوطلبان موسسه خیریه بهنام دهش پور با اهداف انسان دوستانه در تاریخ ۱۴ آذر اقدام به توزیع بروشورهای اطلاع رسانی درباره بیماری سرطان کردند؛ همچنین آنها با توزیع شبرینی بین بیماران و همراهان آن‌ها در بیمارستان شهدای تجریش از آنها عیادت کردند، پای صحبت‌هایشان نشستند و فضایی به دور از تنهایی و ناامیدی را بوجود آوردند؛ این‌ها همان انسانهایی‌اند که علاوه بر دردهای خودشان در زندگی، درد بیماران مبتلا به سرطان را نیز حس می‌کنند و از هر راهی که بتوانند برای حمایت از این بیماران تلاش می‌کنند. این بار آن‌ها به بهانه روز جهانی داوطلب آمده‌اند تا در زندگی خودشان و دیگران تغییر ایجاد کنند تا به خودشان یادآوری کنند که عضوی از یک پیکرند و به درد عضوهایی دیگر هم اهمیت می‌دهند و به بیماران مبتلا به سرطان یادآوری می‌کنند که می‌توان از سرطان هم قدرتمندتر بود و آن‌ها در این راه تنها نیستند.

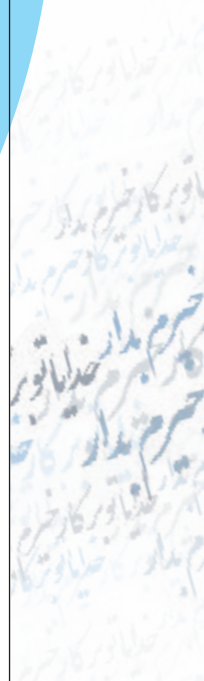
من چیکو هستم

داوطلب هستم

نیرومندتر از سرطان

داوطلب‌های موسسه خیریه بهنام دهش پور در آخر نیز از احساس خود به عنوان داوطلب برای ما پیغام فرستاده‌اند. پیامی که به انسان‌های دیگر می‌گوید داوطلب‌ها هرگاه بخواهند می‌توانند اطرافشان را تغییر دهند چون ابتدا دید خودشان عوض شده است:

- آیندا در بندی:** داوطلب بودن من به این دلیل است که فکر می‌کنم وظیفه هر انسانی است که به شکرانه دارایی‌هایش در حد توان خود به نیازمندان کمک کند.
- سینتیا غازاریان:** هنگامی که به یک فرد دیگر کمک می‌کنم احساس می‌کنم آن لحظه از وجود خودم رضایت دارم که توانسته‌ام به نوعی مفید باشم و این حسی است که هیچ جای دیگر نمی‌توان تجربه‌ای مانند آن را احساس کرد.
- میلاد کریمیان:** من از وقتی به عنوان یک داوطلب در کنار بیماران هستم حس می‌کنم نه تنها می‌توانم برای بیماران مبتلا به سرطان قوت قلب باشم بلکه حالا امید در را زندگی خودم نیز احساس می‌کنم.
- زهرا فلاح پور:** فقط می‌خواهم دیگران بدانند همیشه نیکوکار بودن و کمک کردن به دارایی مالی نیاز ندارد و می‌شود از وقت و انرژی خود هم در راه کار خیر سرمایه گذاری کنیم.
- مینو توکلی:** خیلی از بیماران مبتلا به سرطان بیش از حمایت مالی، نیاز دارند تا بدانند تنها نیستند. باید بدانند که ما در کنارشان هستیم. دلیل بودنم در اینجا رساندن همین پیغام به این انسانها است.
- نغمه نصیری:** گاهی وقت‌ها آدم‌ها باید به درون خودشان رجوع کنند و آن وقت است که هر انسانی می‌فهمد انسان‌ها همه باید در کنار یکدیگر باشند و دست هم دیگر را بگیرند تا احساس کنند برای جامعه خود مفید هستند.
- فهیمة بدخش:** زمانی که می‌توانید دستی را بگیرید پس باید این کار را انجام دهید، اینکه در گرفتن دست یک نفر شریک باشی و لبخند یک انسان دیگر را ببینی با ارزش‌ترین هدیه‌ای است که در یک روز یک آدم می‌تواند به خودش بدهد.





اشاره سرطان، بیماری که این روزها نامش زیاد شنیده می‌شود و هر کسی از برخورد با آن روایتی دارد. روایتی که یا خودش شاهد آن بوده یا درباره آن شنیده است. اضافه شدن کلمه «سونامی» هم به «سرطان» بار نگرانی‌ها را در این زمینه بسیار بیشتر کرده است؛ کلمه‌ای که از هجوم بزرگ بیماری‌ای خبر می‌دهد که مقاومتی سخت را می‌طلبد. این پرسش‌ها که آیا واقعا در معرض سونامی سرطان قرار داریم؟ آیا راه مقابله‌ای هم با سرطان وجود دارد؟ آن هم در شرایطی که در ریه بسیاری از ما هوای آلوده در رفت و آمد است؛ وضعیت بهداشتی آب در بسیاری از شهرها نامطلوب است، اثرگذاری پارازیت بر سلامت یک روز تایید و روز دیگر انکار می‌شود؛ آمار مصرف دخانیات هر لحظه بالا می‌رود، شیوه تغذیه بسیاری از ما ناسالم شده و فعالیت بدنیمان کاهش یافته است، موضوعاتی هستند که از این پس در خیرنامه موسسه خیریه بهنام دهش پور به آن‌ها پاسخ خواهیم داد؛ اما در ابتدا مهم این است که بدانیم چه راهکارهایی برای جلوگیری از ابتلا به بیماری سرطان وجود دارد. در این شماره ابتدا به شما می‌گوییم که از کدام موارد دوری کنید:

زندگی بدون خجنگ

از دود، دور شوید

روی صیحتان با شما است که هنوز آلوده نشده یا به تا زگی آلوده شده‌اید. **دخانیات** یکی از مهم‌ترین عوامل ابتلا به سرطان دستگاه تنفسی، خون و گوارش است. از هر فرصتی برای تحرک بدنی استفاده کرده و بگذارید بدن تحرک کافی برای سوخت و ساز مناسب داشته باشد.



سام روشن شوید

جدا از اینکه بخار و ذرات ناسالم ناشی از شکستن لامپ‌های کم مصرف، فضای خانه را آلوده کرده و باید با دستکش آن را جمع کرد، با هر بار روشن شدن این لامپ‌ها هوای تنفسی خانه با گاز ناسالم داخل این لامپ‌ها آلوده می‌شود. تا حد امکان سعی کنیم از لامپ‌های ال‌ای دی استفاده کنیم این نوع از لامپ‌ها علاوه بر اینکه از لامپ‌های کم مصرف مقدار کمتری انرژی مصرف می‌کنند، در صورت شکستن برای سلامتی انسان ضرری ندارند.



طبیعی‌ترین کنید

انتشار ترکیب‌های فرمالدهید از نئوپان و دیگر چوب‌های فشرده، ترکیب شیمیایی پارچه‌ها و رنگ‌های بودار از دیگر عوامل سرطان‌زا در خانه هستند. به جای استفاده از موارد مذکور می‌توان برای چیدمان منزل از وسایل ساخته شده از چوب طبیعی درختانی مانند گردو، بامبو، آلبالو... و برای پرده‌ها از الیاف نخی استفاده کرد؛ همچنین رنگ کردن منزل با رنگ‌های بی‌بو از راهکارهای دور ماندن از عوامل سرطان‌زا است.

بادقت انتخاب کنید

تحقیقات نشان می‌دهد نزدیک به ۹۰۰ نوع ترکیب شیمیایی مسموم کننده در ترکیب لوازم آرایشی وجود دارد که از جمله شاخص‌ترین آن‌ها می‌توان به پارابن‌ها، فتالات‌ها، آنتی‌باکتریان‌ها، مواد معطر ۴۰ و ۲۰ دی‌اگزان، هیدروکوتینون، ذرات نانو و فرمالدئید اشاره کرد. بیشتر این مواردی که نام برده شد در لوازم آرایشی مانند رژ لب، لاک ناخن، ریمل، کرم‌های صورت، ضدآفتاب‌ها، دئودورانت‌ها به کار می‌رود؛ این مواد مستقیم و یا غیر مستقیم وارد گردش خون شما می‌شود و در طولانی مدت باعث بوجود آمدن سلول‌های سرطانی در بدن شما خواهد شد. بنابراین تا حد ممکن از این ترکیب‌ها کمتر استفاده کنید.



عوامل ایجادکننده التهاب مثل استرس مملو است
خطر سرطان را افزایش دهند و عوامل کاهش‌دهنده التهاب
مثل مصرف رژیم غذایی سالم به‌ویژه میوه و سبزیجات
تازه در کاهش انواع سرطان موثر است.



کمتر بشوید

استفاده از ضدعفونی‌کننده‌های شیمیایی به ویژه انواع قوی آن‌ها مانند قارچ‌کش‌ها و از بین برنده‌های کوچک‌ها، خطر ابتلا به سرطان پستان در زنان را دو برابر افزایش می‌دهد. تنها پاک‌کننده و ضدعفونی‌کننده سالم، آب و صابون است؛ بنابراین سعی کنیم برای شست‌شو و ضد عفونی کردن وسایل خانواده تا حد امکان از مواد طبیعی مثل سرکه، آب‌لیمو و یا جوش شیرین استفاده کنیم.

اشاره

چشم‌ها را باید شست، جور دیگر باید دید؛ آنها به اطراف زندگیمان بلکه به نگارخانه موسسه خیریه بهنام دهش پور نباید به چشم یک گالری عادی نگاه کرد؛ «دوست دارم هنر دوستان و حتی مردم عادی اگر می‌خواهند یک اثر را برای زیبایی منزل و یا محل کارشان استفاده کنند و یا حتی آنهایی که به طور تخصصی تر، آثار هنرمندان معروف را جمع آوری می‌کنند، بدانند اگر قدمی به سوی نگارخانه بهنام دهش پور بردارند برای سلامتی یک انسان نیز قدم برداشته‌اند بنابراین با دید متفاوتی به دیدن این نگارخانه بیایند» این‌ها صحبت‌های از ته قلب سرپرست نگارخانه بهنام دهش پور برای شماست.

معرفی نگارخانه بهنام دهش پور

آشنایی با خیریه

از نظر من او یکی دیگر از افرادی است که در این موسسه با معجزه بخشش سر و کار دارد. این موسسه سال پیش بود که دست سرنوشت نفیسه امدادی را با موسسه خیریه بهنام دهش پور آشنا کرد، او از ابتدا با خیریه‌های گوناگونی به صورت داوطلبانه همکاری می‌کرد اما به راستی هیچگاه نمی‌دانست که دقیقاً به کدام خیریه تعلق دارد؛ پدرش به بیماری سرطان مبتلا شد همین بهانه‌ای شد تا پای او برای همراهی پدر به بیمارستان شهدای تجریش باز شود. در بین صحبت‌ها از زبان دکتر مدنی پزشک معالج پدرش شنید خیریه‌ای برای حمایت از بیمارهای مبتلا به سرطان در ساختمان رادپوتراپی و آنکولوژی بیمارستان شهدای تجریش مشغول به کار است. موضوع خیلی برایش جدی نبود علاوه بر آن همکاری با خیریه‌های دیگر وقتی برایش نمی‌گذاشت تا این که بعد از گذشت چند وقت پدرش بر اثر سکته قلبی دار فانی را وداع گفت؛ همین اتفاق باعث جرقه‌ای شد که دوباره به یاد خیریه بهنام دهش پور بیفتد.

جرقه

نگارخانه‌ای برای همیشه

آثار هنری که درآمد حاصل از فروش آنها برای درمان بیماران مبتلا به سرطان خرج می‌شود، برای بیماران حکم معجزه را خواهد داشت و نفیسه امدادی برای آن که از طریق این آثار بتواند به صورت مداوم برای بیماران مبتلا به سرطان معجزه بخرد پیشنهاد راه‌اندازی یک گالری همیشگی را به موسسه مطرح کرد و با موافقت اعضای هیات مدیره از ۹ خرداد ۱۳۹۳ نگارخانه بهنام دهش پور شروع به کار کرد.

استارت

شروع معجزه خریدن

از هجده سال پیش نفیسه امدادی شروع کرد به جمع کردن معجزه برای سلامتی بیماران مبتلا به سرطان؛ او هر ساله در فرهنگسرای نیاوران و یا حتی منزل خودش با کمک خیرین دیگر نمایشگاه‌های را برگزار می‌کرد حالا او همپای موسسه قدم بر می‌دارد. یکی از نمایشگاه‌هایی که با همکاری «محک» برپا شد نمایش صد نقاشی، یک هدف عاشقانه بود همچنین او توانست با کمک دیگر داوطلبین اولین آکشن (حراج آثار هنری) را که توسط یک خیریه انجام شد با همکاری گالری شیرین برای اولین بار در ایران برپا کند.

آکشن

گالری از جنس انسانیت

تاکنون نمونه‌هایی از آثار هنرمندان بسیاری در این نگارخانه به نمایش درآمده است که تمام همکاری و یا بخشی از عواید حاصل از فروش آن آثار صرف درمان بیماران مبتلا به سرطان می‌شود. در شماره‌های بعدی با استاتید شاخصی که با نگارخانه همکاری داشته‌اند آشنا خواهید شد این نگارخانه هر سال با هدف آرایه آثار خلاق فرهنگی، هنری و تجسمی اقدام به برپایه نمایشگاه‌های گروهی و یا انفرادی می‌نماید اگر دوست داشته باشید شما نیز می‌توانید هنر تان را در این نگارخانه به نمایش بگذارید.

همکاری

نگارخانه
بهنام دهش پور
حمایت از بیماران
مبتلا به سرطان
Behnam Daheshpour
Charity Organization





نمایشگاه گروهی بهنام
هفتاد و هفتمین گالری بهنام
آثار نقاشی خط و نقاشی
بر روی تخم شترمرغ

آثار نقاشی خط
فرح سید ابوالقاسم
رنا شاکری
مهدی باقری
علی ترقی جاد
پونه عظیمی نژاد
حسن دانی
فرزینا سادات
علی نقاشی
نعمت شهبازی
من آفرین مانی واک
سوزن سانی واک
ناصر ناصری
محمد هادی فدوی
آرشداد کاسی
فرزاد ۴ سیداسی

آثار نقاشی بر روی
تخم شترمرغ

اثر از رضا
پونه شاکری
رنا شاکری
سوزن سانی
عبدالحامد باقری
آرشداد کاسی
پونه عظیمی نژاد
حسن دانی
فرزینا سادات
علی نقاشی
نعمت شهبازی
فرید ته خانلی
ناصر ناصری
محمد هادی فدوی
آرشداد کاسی

گنجینه ۲۷ فروردین ۱۳۹۴ - ۲۰ تا ۲۰
۲۸ فروردین تا ۱ شهریور ۱۳۹۴ - ۱۳۳۰ تا ۱۹
نشانی: خیابان شهید لایسناس (فرمانده)
کوچه شهید حسامیان (سورتمرغ) کوچه
سجده - کوچه برصبری - پلاک ۲۲
شماره تماس: ۲۲۲۰۸۲۷۷ - تلفن: ۱۱۱

آخرین نمایشگاه پاییزی



اولین اثری که به شما معرفی کردیم متعلق به استاد علی رضا سعادت مند است؛ نمونه‌هایی از این دست آثار نقاشی خط و نقاشی بر روی تخم شترمرغ از روز جمعه ۲۷ آذر در نگارخانه بهنام دهش پور به نمایش گذاشته شد در این افتتاحیه که با استقبال بسیاری خوبی از طرف علاقه‌مندان به هنر همراه بود اساتیدی از جمله ناصر عزیزی، محمد هادی فدوی، سیامک خازنی، عبدالحمید پازوکی، رضا بانگیز، سپهر بختیاری، آتیلا سابو، مهشید رحیم تبریز، الهه پنجه باشی و پونه اوشیدری به همراه آثار خود در نگارخانه حضور داشتند و خیلی از آثارشان که تمام و یا بخشی از عواید آن به خیریه بهنام دهش پور تعلق می‌گیرد به فروش رفت.

بخشی از عواید حاصل از آثار نقاشی خط و تمام عواید حاصل از آثار نقاشی بر روی تخم شترمرغ صرف حمایت از بیماران مبتلا به سرطان شد. همچنین نمایشگاه نقاشی بر روی تخم شترمرغ در سال ۹۳ نیز در همین گالری برگزار شد و آثار هنرمندان با امضای خود آنها بر روی کار به فروش رسید و تمامی عواید حاصل از آن نیز صرف هزینه دارو و درمان بیماران مبتلا به سرطان شد.

نگارخانه موسسه خیریه بهنام دهش پور با هدف معرفی و ارایه آثار خلاق فرهنگی، تجسمی در آذر ماه امسال اقدام به برپایی نمایشگاه گروهی آثار نقاشی خط و نقاشی بر روی تخم شترمرغ کرد، این نمایشگاه در ساعت ۱۶ روز ۲۷ آذر افتتاح و تا ساعت ۱۹ روز اول دی ماه ۱۳۹۴ ادامه داشت.

اشاره

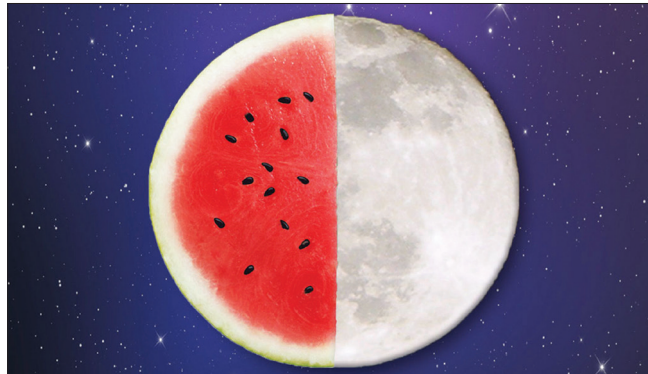
در روزهای سرد زمستانی وقتی به دفتر مرکزی موسسه خیریه بهنام دهش پور می‌آید؛ درب گالری که باز می‌شود تابلویی با زمینه قرمز رنگ که از دور می‌خواهید لمسش کنید ناخودآگاه شما را به طرف خودش می‌کشاند قدم پیش می‌گذارید تا این اثر زیبا را از فاصله نزدیک‌تری ببینید حالا بجز رنگ قرمز برجسته خطهایی به رنگ سبز و طلایی به چشمتان می‌آید: «همه خفتند و من دلشده را خواب نبرد همه شب دیده من بر فلک استاره شمرد» همین بیت‌های زیبای مولانا که با نقش و خطوط زیبا آمیخته شده سرمایه چند لحظه پیش را از ذهنتان بیرون خواهد برد اگر هم تا آن لحظه احساس گرما را نداشته باشید خانم مهربانی که با شیرینی و لبخند به استقبالتان می‌آید ناخودآگاه شما را به لبخند و می‌دارد و گرمای دلپذیر نگارخانه را به شما هدیه می‌دهد.

نمونه‌هایی از آثار نقاشی خط و نقاشی بر روی تخم شترمرغ از روز جمعه ۲۷ آذر در نگارخانه بهنام دهش پور به نمایش گذاشته شد.



میوه‌بات به ویژه سویا حاوی مواد مفید ضد سرطان به ویژه ایزوفلاون‌ها هستند که فامیت ضد سرطانی دارند.

جشنی به مهربانی شب یلدا



امسال شب یلدا خیلی از ما به رسم دیرینه هر سال، دور هم جمع شدیم و از قدیم‌ها سخن گفتیم، آجیل و میوه خوردیم و به حافظ خوانی و شاهنامه خوانی پرداختیم. شب یلدا ایامسال هم ... مانند سال‌های قبل، فرصتی بود تا بار دیگر به دیدار بزرگ‌ترهای فامیل برویم و دیداری تازه کنیم. در این میان اما، گروهی هم بودند که دوست داشتند بلندترین شب سال را کنار خانواده‌هایشان باشند، زیر سقف گرم خانهای که دیوارهایش از عشق و محبت مالا مال است اما به دلیل بیماری که ناخواسته گریبان‌گیرشان شده است، چنین فرصتی را نداشتند. بیماری که بزرگ و کوچک هم نمی‌شناسد وقتی پایش به زندگی فردی باز شود بیشتر خوشی‌های زندگی را از یادش می‌برد؛ کودکانی که حتی در این شب زیبا و پرهیجان باید بر روی تخت‌های بیمارستان برای زندگی‌شان بجنگند و سهم آنها از شب یلدا شاید رفت و آمد پزشک و پرستار به کنار تختشان باشد و گاه و بی‌گاه تعویض درد آور سرمی که به دست و پایشان است که با حجم زیادی از دارو پر و خالی می‌شوند و یا بزرگ‌ترهایی که در این شب باید برای نوه‌هایشان قصه بگویند و اهل فامیل را دور خودشان جمع کند اما تا نیمه‌های شب تنها چشمشان به آسمان این شب خواهد بود.

همه این تعریف‌ها یعنی دیدن صورت‌هایی که لبخند را به صورت‌هایشان می‌خشکاند و حسرت را در دل‌های کوچکشان بارور می‌کند برای عده‌ای قابل تحمل نیست هرچند آنها با این بیماران نسبت خاصی هم ندارند اما همه جمع شدند تا به بهانه شب یلدا، شادی‌های کوچک خود را با این افراد تقسیم کنند؛ مهربانی‌های کوچکی که دنیا دنیا رنگ و شادی به زندگی پررنج این بیماران مبتلا به سرطان می‌دهد.

یک پیشنهاد ساده

همه‌چیز از یک پیشنهاد ساده و بی‌تکلف آغاز شد. قرار شد در آستانه نزدیک شدن به ۳۰ آذر و شب یلدا به عنوان یک سنت زیبا در فرهنگ ایرانیان، شادی‌هایمان را در این شب با بیمارهای بزرگسال و کودکان با یک بسته کوچک شامل انار، تکه‌ای شیرینی، مقداری آجیل و آب پرتقال یا شیر تقسیم کنیم. فکرش را هم نمی‌کردیم از این پیشنهاد ساده تا این حد استقبال شود، با طرح این موضوع که جمع‌آوری این بسته‌ها هزینه زیادی نیاز ندارد، شروع کردیم. وقتی به خودمان آمدیم یادکنک‌ها آماده بود و بخش کودکان تزئین شده. معلوم بود هنوز جشن شروع نشده بچه‌ها فهمیده بودند خبری در راه است، این را از قیافه‌های شوق‌زده آنها می‌گویم که تا قبل از ظهر بیشترشان بی‌حوصله و یا خواب بودند. سالن آمفی تئاتر موسسه هم برای ورود بزرگ‌ترها آماده شده بود.

بی‌تکلف



اجرای بازی‌های گروهی مثل پانتومیم، شعرخوانی دسته‌جمعی و شوخی با بچه‌ها همراه موسیقی شادی که یقین می‌شد، لب‌های کودکان را هر لحظه به لبخند بیشتری وا می‌داشت. گروه آرتیمان یک گروه خیریه از افرادی است که شادیهایشان را با کودکان بیمار و یا نیازمند تقسیم می‌کنند خیلی ساده با لباس‌های دزدان دریایی و دلقک‌ها می‌آیند و یک شب را برای کودکان به یاد ماندنی می‌کنند.

قلب من برای تو، لبخند تو برای من

میهمانی

کادوها و بسته‌بندی‌های رنگارنگ و مختلف کنار هم چیده شده‌اند، آجیل‌هایی که با روبان‌های زیبا گره زده شده و در کنار کتاب‌های داستان قرار گرفته است شیرها و آب میوه‌ها هم به تعداد همه روی میز منتظر نشسته‌اند، قرار است این بسته‌های هدیه به دست کودکانی برسد که شرایط مناسب باهم بودن در خانه خودشان را ندارند. کتاب خانه کودکان موسسه از روزهای قبل همه فضا و لوازم پذیرایی را حاضر کرده بودند و تنها مانده بود گروه خیریه آرتیمان که به دعوت کتاب‌خانه کودکان به جشن آمدند و شروع کردند به اجرای بازی‌های گروهی مثل پانتومیم، شعرخوانی دسته‌جمعی و شوخی با بچه‌ها؛ همه این‌ها به همراه موسیقی شادی که پخش می‌شد، لب‌های کودکان را هر لحظه به لبخند بیشتری وا می‌داشت. گروه آرتیمان یک گروه خیریه از افرادی است که شادیهایشان را با کودکان بیمار و یا نیازمند تقسیم می‌کنند خیلی ساده با لباس‌های دزدان دریایی و دلقک‌ها می‌آیند و یک شب را برای کودکان به یاد ماندنی می‌کنند.



در ساختمان نقاشی‌ها نیز جشن به مناسبت طولانی‌ترین شب سال برای بیماران و همراهان آنها برگزار شد

برای بزرگ‌ترها هم...

شب نشینی

همه‌ما به عنوان انسان باید همیشه افراد نیازمند را گوشه‌ای از ذهن خود داشته باشیم و هرازچندگاهی حمایت از آنها را به شکل تلنگر به خود یادآوری کنیم. البته مهم است بدانیم همه انسانها نیاز مالی ندارند بعضی از آنها مثل بیماران بستری در بیمارستان بیشتر از هزینه به قوت قلب برای ادامه راه سلامتی نیازمند هستند و خیریه بهنام دهش‌پور برای نیاز روحی این افراد در شب یلدا دست به دست داوطلب‌های خیریه برای بیماران بستری در بخش رادیوتراپی و آنکولوژی بیمارستان شهدای تجریش جشنی را به سادگی یک لبخند در سالن آمفی تئاتر موسسه برگزار کرد؛ جشن با معرفی مختصری از خدمات موسسه آغاز شد. بعد از آن امیرحسین جهانی به روی سن رفت و با نوازندگی تار و همخوانی تصنیف‌های قدیمی ایرانی به همراه بیماران فضای گرم و صمیمی را بین افراد به وجود آورد. نوبتی هم که بود دیگر نوبت یکی از سنت‌های معروف شب یلدا یعنی فال حافظ بود که توسط موسسه خریداری و بین همه حضار توزیع شد. مریم رحیمی که عضوی از انجمن حافظ خوانی سرای محله داوودیه است نیز برای بیماران چند غزلی را خواند و فال‌هایشان را تعبیر کرد. رضا سرمدی هم با تعریف قصه‌هایی از شاهنامه فضای خاطره‌انگیزی را برای همه به وجود آورد در پایان نیز از بیماران با کیسک و آجیل و انار پذیرایی شد، همچنین در ساختمان نگاهتگاه نیز جشنی دیگر برگزار شد و چقدر چهره‌هایشان با زمان ورود به جشن تفاوت داشت!

باسپاس از حامیان حقوقی موسسه

مسئولیت اجتماعی سازمان ها (Corporate Social Responsibility)، مجموعه وظایف و تعهداتی است که سازمان های بخش خصوصی در راستای حفظ، مراقبت و کمک به منافع عمومی جامعه ای که در آن فعالیت دارند انجام می دهند. سازمان های علاقمند به حمایت از فعالیت های موسسه می توانند این اقدامات را در قالب (روشهای مختلف همچون: حمایت ماهیانه و مستمر از فعالیتهای عمومی و یا موضوعی از قبیل تامین هزینه دارو و درمان بیماران، هزینه تغذیه رایگان، تامین تجهیزات درمانی و مصرفی موردنیاز بخشهای درمانی و حمایتی، برآورده نمودن آرزوهای کودکان، دریافت قلکهای بهنام در فضای منزل و محل کار و یا سایر روشهای پیشنهادی میتواند صورت پذیرد.



فیرین و نیکوکاران (مقیقی و مقوقی) میتوانند در راستای اجرایی نمودن مسئولیت اجتماعی سازمانی فود، موسسه فیریه بهنام دهش پور را به (روشهای مختلف یاری نمایند).
 واهد مامیان در طول ساعات اداری با شماره ۰۸۷۹۷۰۲۲۲۰۱۴۴۴ داخلی ۱۴۴۴ آماده پاسخگویی و راهنمایی شما نیکوکاران گرامی است.



قلک‌های بهنام رویش امیددی دوباره

behnamcharity.org.ir

۲ ۲ ۲ ۰ ۸ ۷ ۹ ۷
۲ ۲ ۷ ۱ ۸ ۰ ۸ ۳

کد شعبه	شماره شبیا	شماره حساب	شماره کارت	نام بانک	موضوع پرداخت
۸۴۷	IR ۳۵-۰۵۶۰-۰۸۴۷۸۱۰۵۰۶۰۷۰۸۰۰-۰۱	۸۴۷-۸۱۰-۵۰۶۰۷۰۸۰-۰۱	۶۲۱۹-۸۶۱۰-۰۸۹۳-۵۳۹۶	سامان	حامیان
۲۲۸	IR ۹۸-۰۱۷۰-۰۰۰۰-۰۰۱۰-۷۵۴۸-۲۶۸۰-۰۰	۰۱۰-۷۵۴-۸۲۶-۸۰۰۰	۶۰۳۷-۹۹۱۱-۹۲۵۲-۷۴۴۵	ملی	تابلو تسلیت
۲۲۸	IR ۵۳-۰۱۷۰-۰۰۰۰-۰۰۱۰-۴۶۶۰-۹۱۲۰-۰۵	۰۱۰-۴۶۶-۰۹۱۲-۰۰۵	۶۰۳۷-۹۹۱۱-۹۹۵۱-۲۴۷۰	ملی	کمک‌های نقدی (دارو و درمان، سایر هزینه‌ها و ...)
۶۵۴۰۹	IR ۵۱-۰۱۲۰-۰۲۰۰-۰۰۰۰-۳۳۱۱-۲۳۶۷-۴۱	۲۳-۱۱۲۳-۶۷۴۱	۹۴۹۱-۰۴۲۸-۳۳۷۹-۶۱۰۴	ملت	



با یک انتخاب آگاه شویم، همراه شویم...

برای دریافت این برنامه به سایت موسسه مراجعه فرمائید

موسسه خیریه
بهنام دهش پور
حمایت از بیماران
میتلا به سرطان
Behnam Daheshpour
Charity Organization



behnamcharity.org.ir

۲ ۲ ۲ ۰ ۸ ۷ ۹ ۷

۲ ۲ ۷ ۱ ۸ ۰ ۸ ۳